

حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی^۱

با فروپاشی امپراتوری شوروی به سیستم مرکز، شبه پیرامون و پیرامون خدشه وارد شد ولی منهدم نگردید و انتظار هم نمی‌رفت که در کوتاه مدت به خاطر ارائه دکترین مونروئه به سبک روسی در جمهوری‌های پیشین شوروی، وابستگی متقابل جمهوری‌ها به یکدیگر دچار آسیب جدی شود. به منظور مقابله با مشکلات و بحرانهای پس از استقلال، کشورهای آسیای مرکزی در صدد قطع رشته‌های وابستگی اقتصادی و پایه‌ریزی یک اقتصاد ملی در جهت خودکفایی برآمده‌اند و اقدامات به کار گرفته شده توسط این کشورها عبارتند از: تغییر ساختار مالکیت، ابرار تولید، خصوصی‌سازی و انتقال تدریجی به سمت اقتصاد بازار آزاد؛ سیاستهای درهای باز در قبال جهان خارج و جذب سرمایه‌های خارجی؛ تلقی کشاورزی به مثابه زیربنای اصلاحات؛ از اوایل دهه ۹۰ با اجرای سیاستهای اصلاح اقتصادی و انجام فرآیند ادغام در بازار، بتدریج نهادهای مالی، بازار و ظرفیت‌سازی در منطقه رشد می‌کند که استقرار بانک مرکزی، سیستم پرداخت‌ها و سیستمهای قانونی و ساختارهای اداری در روند این پیشرفتها مؤثر بوده است ولی همچنان ضعف‌های اساسی مثل مسأله فساد، مدیریت بودجه، مقررات خدمات شهری در منطقه باقی است.

کشورهای آسیای مرکزی با در اختیار داشتن منابع عظیم نفت، گاز، ذغال سنگ، اورانیوم، فلزات آهنی و غیرآهنی و استعدادهای کشاورزی، بازاری روبه توسعه دارند. کشورهای این منطقه به لحاظ کمبود منابع مالی، توان سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ذخایر زیرزمینی خود را ندارند. اما این کشورها از دید بسیاری از فعالان اقتصادی در سطح بین‌المللی کشورهای فقیر محسوب نمی‌شوند و منابع غنی نفت و گاز در این منطقه به‌ویژه در حوزه دریای خزر قدرت اقتصادی و توان مالی بسیاری به این کشورها خواهد داد.

وجود تنگناهای بسیاری در زمینه قوانین و مقررات حاکم بر جذب سرمایه

۱. دکتر حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز است.

خارجی و تجارت، مشکلات ساختاری اقتصادی، عقب‌ماندگی تولید، ناکارایی اقتصادی و غیره موجب شده که جذب سرمایه‌گذاران و بازرگانان بین‌المللی در این منطقه با مشکلات بسیار مواجه باشد. لذا توجه به اصلاح قوانین و مقررات و از همه مهمتر ساختار زیربنایی در این کشورها از اهمیت خاص برخوردار است. اجرای فرایند خصوصی‌سازی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی در دستیابی به اصلاحات ساختاری و اقتصاد باز در این کشورها مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از این جمهوری‌ها اولین گام‌ها را در این راستا برداشته‌اند. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا رابطه‌ای میان خصوصی‌سازی و اصلاحات ساختاری در این جمهوری‌ها وجود دارد یا خیر؟ به منظور پاسخ دادن به سؤال فوق، نخست لازم است مبانی نظری مرتبط به مبحث خصوصی‌سازی را مطرح و سپس با در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی حاکم بر این کشورها، اهداف و اولویت‌های خصوصی‌سازی را در جمهوری‌های پنج‌گانه آسیای مرکزی بررسی نماییم. تفکر محوریت بخش دولت یا محوریت بخش خصوصی (بازار) در هر عصر و با توجه به شرایط و مقتضیات زمان در اداره امور جوامع حاکمیت داشته و مبنای این اندیشه اعتقاد به اصالت فرد یا اصالت جمع طی دوران تاریخ بوده است.

مطالعه عمیق تاریخ اقتصاد کشورها نشان می‌دهد که هیچ‌گاه ترکیب مطلوب و بهینه دولت و بازار در مدیریت اداره امور جامعه تحقق نیافته است.

افلاطون را می‌توان به عنوان مستند اولیه نگرش جمع‌گرایانه در مدیریت اداره امور کشور دانست و اعتقاد ارسطو به وجود نفع فردی و خانوادگی به عنوان انگیزه‌ای جهت تحرک فعالیت‌های اقتصادی مستند نگرش فردگرایانه است.

با این مقدمه می‌توان گفت مبنای تئوریک خصوصی‌سازی به شکل کنونی ریشه در مکتب کلاسیک دارد که بر حداقل دخالت دولت در اقتصاد تأکید دارد.

حدود و چگونگی دخالت دولت در اقتصاد یکی از موضوعات مورد بحث اقتصاددانان طی دهه‌های گذشته بوده است. تا قبل از جنگ جهانی اول، به واسطه حاکم بودن دیدگاه کلاسیک‌ها و حاکمیت بازار بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی اندک بود. پس از پایان جنگ اول و ایجاد اتحاد جماهیر شوروی و بخصوص بعد از بحران بزرگ اقتصادی در جهان غرب در سال ۱۹۲۹ با زیر سؤال رفتن اندیشه مکتب کلاسیک و

حاکمیت دیدگاه طرفداران نقش دولت در مسایل اقتصادی، دولت نقش مسلطی را در صحنه تولید و اقتصاد به دست آورد و مکانیزم بازار نقش جانبی پیدا کرد. از دهه ۹۰ باز بین رفتن نظام سوسیالیستی و فروپاشی شوروی، گرایش به خصوصی سازی مجدداً آغاز شد و با گسترش دامنه فعالیت این فرایند، جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز در این مسیر قرار گرفتند. خصوصی سازی را می‌توان تلاش در جهت پُررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیم‌های دولت به عنوان کارگزار اقتصادی دانست.

اندیشه اصلی در تفکر خصوصی سازی، حاکم کردن مکانیزم بازار بر تصمیم‌های اقتصادی می‌باشد که نتیجه آن ایجاد فضای رقابتی برای بنگاه‌های خصوصی است و از این طریق کارایی بنگاه‌ها نسبت به بخش عمومی ارتقا پیدا می‌کنند.

کی و تامسون خصوصی سازی را اینگونه تعریف کرده‌اند: واژه خصوصی سازی به روش‌های مختلفی اطلاق می‌گردد که باعث تغییر رابطه بین دولت و بخش خصوصی می‌شود. ضدملی کردن و یا فروش دارایی‌های متعلق به دولت، مقررات زدایی یا حذف ضوابط محدودکننده و معرفی رقابت در انحصارهای مطلق دولتی و پیمانکاری یا واگذاری تولید کالاها و خدماتی که توسط دولت اداره و تأمین مالی می‌شود به بخش خصوصی از جمله موارد خصوصی سازی محسوب می‌گردد. ^۱ UNDP (برنامه توسعه ملل متحد) خصوصی سازی را حرکت به سوی اقتصاد بازار از طریق زیر می‌داند:

الف) سیاستگذاری اقتصادی (تقویت چارچوب سازمانی بر اقتصاد بازار شامل حقوق مالکیت، ابزارهای قانونی، مؤسسه‌های مالی و غیره) و آزادسازی و مقررات زدایی؛

ب) توسعه بخش خصوصی؛

ج) خصوصی سازی مؤسسه‌های اقتصادی عمومی.

در تعریف دیگر، خصوصی سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن، در سطوح مختلف و زمینه‌های گوناگون، کنترل یا مالکیت و یا مدیریت از دست بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده می‌شود. به این ترتیب، در نهایت دامنه نفوذ مستقیم دولت

1. United Nation Development Program

بر فعالیتهای اقتصادی محدود می‌شود و تمرکز فعالیتها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد.^(۱)

اهداف خصوصی سازی

اهداف خصوصی سازی با توجه به ساختار اقتصادی هریک از کشورها می‌تواند متفاوت باشد. مهمترین این اهداف عبارتند از:

- کاهش نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی؛
- افزایش مشارکت مردم در امور اقتصادی و تصمیم‌گیری؛
- افزایش سطح کارایی مؤسسه‌های اقتصادی تحت تملک دولت؛
- تخصیص مطلوب‌تر منابع کشور براساس عملکرد بازار (افزایش کارایی تخصیصی)؛
- توسعه بازار سرمایه در داخل کشور؛
- گسترش مالکیت وسیع سهام و مشارکت اقشار مردم در سرمایه‌گذاری؛
- ایجاد انگیزه کاری در کارکنان؛
- کسب درآمدهای مالی برای دولت.^(۲)

اولویتهای خصوصی سازی

در اوایل دهه ۱۹۸۰ در خصوص این که چه مؤسساتی باید واگذار شوند بحثهای زیادی در گرفته بود. در آن زمان خطوط هوایی، کارخانه‌های پتروشیمی، سیمان و فولاد و... استراتژیک تلقی می‌شدند و به تبع آن غیرقابل واگذاری بودند. در حالی که در حال حاضر عملاً تمامی مؤسسه‌های دولتی حتی آنهایی که خدمات عمومی نظیر مخابرات، برق و... را ارائه می‌کنند در معرض خصوصی سازی قرار گرفته‌اند.

در یک تقسیم‌بندی کلی شرکتهای دولتی را می‌توان به دو دسته کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم‌بندی کرد. روش ساده و سریع، دلیل خصوصی نمودن شرکتهای کوچک و متوسط است که کوچک بودن ظرفیت و سطح اصلاح ساختاری آنها و پایین بودن ریسک از ویژگیهای این شرکتهاست. به علاوه بحث سرمایه‌گذاری خارجی را نیز به دنبال ندارد. فروش شرکتهای بزرگ بسیار پیچیده و دشوار است مخصوصاً اگر این شرکتهای در زمینه خدمات عمومی (نظیر آب

و برق) فعال باشند، فاقد سابقه رقابت بوده و اصلاح ساختار پرسنلی آنها نیز پیچیده است. اگر بنگاهها در یک فضای رقابتی فعالیت کنند از اولویت بالاتری برای خصوصی سازی برخوردار خواهند بود. در مورد بنگاههای انحصاری، اگر بتوان قبل از خصوصی سازی، از طریق آزادسازی تجاری و یا تجزیه، آنها را به بنگاههای کوچکتر تقسیم نمود و فضای رقابتی برای آنها ایجاد کرد، زمینه خصوصی سازی بیشتر فراهم می گردد. خصوصی سازی می تواند همراه با واگذاری مالکیت باشد و یا بدون واگذاری مالکیت به صورت خصوصی سازی واحدها یا به شکل اجاره واحدها و یا در قالب قرارداد مدیریتی انجام می شود.^(۳)

ساختار اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی قبل از فروپاشی شوروی

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ منطقه آسیای مرکزی به جمهوری های اتحاد شوروی تبدیل شد و الگوی توسعه سوسیالیستی روسی در این منطقه به کار گرفته شد. طبق این الگو، صنایع سنگین در اولویت قرار گرفته و با اجرای سیستم برنامه ریزی، کشورهای منطقه به تأمین کنندگان مواد خام تبدیل شدند که از لحاظ ساختاری نیز فاقد پویایی اقتصادی لازم بود. در این الگو، هر یک از جمهوری ها در تعدادی از محصولات کشاورزی یا صنعتی خودکفا و در باقی موارد مصرف کننده می شوند. لذا اقتصاد شکل گرفته فاقد هرگونه پارامتری چون انگیزه، ابتکار و مدیریت در این جمهوری ها است.

سیستم اقتصاد اتحاد شوروی بسیار متمرکز بود لذا تحت این حکومت متمرکز، آرمانهای منطقه در جهت توسعه اقتصادی و فرهنگ ملی نادیده گرفته شد.

طی این دوران به دلیل انزوای این جمهوری ها از جهان خارج، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه تحت شرایط سلطه قرار گرفته و این جمهوری ها نتوانستند فرآیند توسعه خود را طی کنند و همین امر عقب ماندگی این جمهوری ها را به همراه داشت.^(۴)

ساختار جمهوری های آسیای مرکزی بعد از فروپاشی

بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری های آسیای مرکزی، این کشورها اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با دیگر کشورهای جهان نموده و به جامعه جهانی پیوستند و در واقع

وارد اقتصاد بین‌المللی شدند. در این رابطه درصدد استفاده از منابع طبیعی خود مثل انرژی، زیربنایهای صنعتی، معادن و غیره به عنوان سرمایه برآمدند و در اینجا بود که نقاط ضعف سیستم برنامه‌ریزی اقتصادی به عنوان مانع عمده جلب توجه نمود. حاکمیت ۷۰ ساله سیستم اقتصادی متمرکز مشکلات عدیده‌ای در بخشهای مختلف کشورهای منطقه ایجاد نموده بود و منطقه با چالشهای بزرگی نظیر اصلاح سیاسی، بدهی خارجی، دسترسی به تجارت و حمل و نقل، اصلاح بازار، ساختار نهادی، جذب سرمایه خارجی، تأمین مالی پروژه‌ها و مسایل زیست‌محیطی و غیره مواجه بود که این مشکلات جذب این کشورها را در اقتصاد بین‌الملل با مانع مواجه می‌نمود.

از طرفی، این کشورها تا قبل از تحولات صرفاً با یکدیگر و با مرکز دارای سوابق اقتصادی و تجاری بودند. با قطع این روابط، بحرانهای اقتصادی منطقه عمیق‌تر شده و به‌ویژه آن که اکثر این کشورها تمایل به رهایی سلطه از مرکز داشتند و برای این منظور گسترش روابط با همسایگان خود و غرب را در نظر داشتند.

لذا اولین گامها جهت گذر از سیستم برنامه‌ریزی متمرکز به سوی اقتصاد آزاد توسط جمهوری‌ها برداشته شده و این کشورها یکی پس از دیگری درصدد تدوین و اعمال سیاستهای مقابله با بحران و تثبیت اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی برمی‌آیند. (۵) اهم اقدامات به کار گرفته توسط جمهوری‌های آسیای مرکزی در رابطه با توسعه اقتصادی عبارتند از:

- تغییر ساختار مالکیت ابزار تولید، خصوصی‌سازی و انتقال به سمت اقتصاد بازار؛
- سیاستهای درهای باز در قبال جهان خارج و جذب سرمایه خارجی؛
- تلقی کشاورزی به مثابه زیربنای اصلاحات؛
- بهره‌برداری از منابع طبیعی جهت بهبود اقتصاد و حل مسایل آن.

این مقاله با بحث «تغییر ساختار مالکیت و فرایند خصوصی‌سازی» در این جمهوری‌ها جهت نیل به هدف توسعه اقتصادی درصدد نشان دهد که این جمهوری‌ها تا چه میزان در این فرایند موفق بوده و آیا به هدف اصلاحات ساختاری دست یافته‌اند یا خیر؟

۱. ازبکستان

الف) ساختار اقتصادی ازبکستان

جمهوری ازبکستان از نظر جمعیت و موقعیت ژئوپلیتیک به خاطر مرکزیت آسیای مرکزی از جایگاه خاصی برخوردار است که بهره‌مندی از منابع طبیعی سرشار بر اهمیت این کشور افزوده است. این کشور از لحاظ منابع و ذخایر معدنی، کشور ثروتمندی به شمار می‌رود. این کشور بزرگترین تولیدکننده پنبه در میان جمهوری‌های شوروی سابق و چهارمین تولیدکننده این محصول در جهان به شمار می‌رود. به طوری که تولید الیاف پنبه ۴۰ درصد تولید ناخالص کشاورزی را تشکیل می‌دهد. همچنین ازبکستان هشتمین کشور جهان از نظر تولید طلا و پنجمین کشور از نظر میزان سرانه تولید طلا می‌باشد که در حال حاضر ۱۰ معدن از ۳۰ معدن طلای موجود این کشور مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.^(۶)

این کشور نیز مانند سایر جمهوری‌ها، میراث‌دار یک سیستم اقتصادی متمرکز بود که پس از استقلال به دلیل مشکلات پدید آمده در بخش کشاورزی، سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی پایین آمده است. به دلیل اختصاص اراضی گسترده کشاورزی به کشت پنبه، ازبکستان همواره واردکننده مواد غذایی و غلات بوده است.

بخش صنعت این جمهوری ارتباط تنگاتنگ با بخش کشاورزی دارد، مهمترین تولیدات آن را صنایع سبک و محصولات کشاورزی فرآوری شده تشکیل می‌دهد.

بیکاری، تورم بالا، درآمد سرانه پایین، کسری بودجه، تراز تجاری منفی از اهم مشکلات این کشور است.

شاخص‌های کلان اقتصادی ازبکستان سال ۲۰۰۰^(۷)

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تورم ماهانه	بدهی خارجی (میلیون دلار)	نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به GDP	نسبت سهم کشاورزی به GDP	رشد GDP (۲۰۰۰)	جمعیت (میلیون نفر)
۵۸	٪۲۸	۴۳۴۰	٪۱/۳	٪۳۵	٪۴	۲۴/۷

ب) خصوصی سازی ازبکستان

ازبکستان پس از فروپاشی شوروی سابق و ایجاد استقلال ابتدا یک مجلس قانونگذاری تأسیس کرد. در این مجلس قوانین مربوط به سیستم تمرکززدایی و مدیریت گروهی دولتی که مالکیت خصوصی و رقابت آزاد را نفی می کرد تعویض گردید. یکی از اقدامات اساسی این کشور در راستای بازسازی اقتصادی، اصلاح ساختار کشاورزی بود. مسأله کشاورزی پایه و اساس ازبکستان است و کشت پنبه یکی از محصولات استراتژیک این کشور می باشد. به همین دلیل اصلاح ساختار کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار بود. در اصلاحات جدید به دلیل توسعه گسترده اشکال جدید اقتصاد روستایی و تشکیل مناسبات اقتصادی، اجازه مالکیت زمین به دهقانان داده شد و زمینهای آزاد شده از کشت پنبه و همین طور زمین دیگر محصولات کشاورزی واگذار گردید. مهمترین نتایج خصوصی سازی کشاورزی در ازبکستان عبارتند از:

۱. اشتغال زایی برای کاهش بیکاری در روستاها؛

۲. افزایش عایدات خالص روستاها؛

۳. برطرف کردن خسارات حاصل از آفات نباتی؛

۴. تأمین مسکن روستاییان.

فرآیند خصوصی سازی در مورد اموال دولتی نیز صورت گرفت به این ترتیب که به کارگران کارخانه هایی که خصوصی شده بودند اجازه خرید سهام کارخانجات داده شد. این شیوه خصوصی سازی غیر از کارخانه ها در مورد مؤسسات زراعتی، باغها و تاکستان ها نیز اجرا شده است. به این ترتیب تا سال ۱۹۹۵ بیش از ۸۲ درصد محصولات ناخالص تجاری و مایحتاج عمومی به بخش غیردولتی واگذار شد.

واگذاری مسکن یکی از اقدامات خصوصی سازی در ازبکستان بود که در جریان این حرکت بیش از یک میلیون خانه ای که بیش از این به دولت تعلق داشت (در واقع ۹۵٪ ذخیره مسکن دولت) به مردم واگذار شد.

درجه خصوصی سازی ازبکستان در بررسی روند خصوصی سازی بین ۵ کشور آسیای

مرکزی و روسیه و لهستان بین ۱ تا ۴/۳ به شرح زیر است^(۸):

خصوصی سازی مؤسسات کوچک - ۳

خصوصی سازی مؤسسات بزرگ - ۲/۷

به طور کلی روند خصوصی سازی در ازبکستان براساس مبانی نظری ارائه شده به شرح

ذیل تفسیر می گردد:

۱. ایجاد پایه های حقوقی مناسب با تصویب قوانین اصلی در زمینه های اقتصادی و تعیین اساس اقتصاد چند بُعدی در جهت ایجاد اشکال جدید مالکیت در کشاورزی و صنعت: ازبکستان پس از فروپاشی شوروی سابق و ایجاد استقلال در این کشور ابتدا یک مجلس قانونگذاری تأسیس کرد. در این مجلس قوانین قبلی مربوط به سیستم تمرکزگرایی گذشته و منافع خاص آن تعویض گردید. مقررات مربوط به مدیریت گروهی دولتی که مالکیت خصوصی و رقابت آزاد را به طور کلی نفی می نمود و تجارت را محدود می ساخت، به شکل قانونمندی تغییر یافت.

کلیه قوانین گذشته این کشور در چارچوب معیارهای اتحادیه های گذشته بوده و ویژگی های منطقه ای این کشور را لحاظ نکرده بودند. به طور کلی قانونگذاری مختص مسکو بوده و ارگانهای قانونگذاری کشور صرفاً قوانین مسکو را پیاده می کرده اند. مجلس این کشور قوانین جدیدی را تصویب کرده است مانند شکل مدیریت ریاست جمهوری، قوای مقننه، مجریه، قضاییه. اصول اساسی و استراتژیک مربوط به ساختار دولت و اصلاح اقتصادی توسط رئیس جمهور ازبکستان پیشنهاد و سپس تصویب می گردد. به ویژه آن که دستورات رئیس جمهور منعکس کننده اهداف اساسی اصلاحات است.

مجلس این کشور برای نخستین بار سیستم اقتصادی این کشور براساس منابع اقتصادی و مسئولیت در قبال فعالیتهای بازرگانی را پایه ریزی کرده است و در نتیجه این قوانین در شکل حقوقی شرکتها تنوع وسیعی یافته است.

از دیگر کارهای قوه قانونگذاری این کشور ایجاد مقررات و قوانین زیربنایی بخش

بازرگانی مثل قوانین مربوط به بانک و سیستم پول، کار و بیمه و بورس و اوراق بهادار و غیره است که با تصویب آنها زیربنای توسعه و حرکت به سوی بازار آزاد بنا شده است.

می توان کارهای انجام گرفته را به شرح زیر بیان کرد:

- تصویب قوانین مهم در مورد روابط تجاری شرکتهای بخش خصوصی با یکدیگر و حتی

با بخش دولتی؛

- تصویب قوانین مربوط به حقوق بین الملل که این امر موجب سرمایه گذاری خارجی

کشورهای دیگر در این کشور می شود؛

- تصویب قانون اساسی جمهوری ازبکستان که تمام موارد بالا در آن لحاظ شده است.

۲. تنظیم یک سیاست مالی و مالیاتی: برای این منظور یک سیاست مالی و مالیاتی

تنظیم شده است که بتواند کسری بودجه های دولتی را به حداقل برساند و باعث کم کردن هزینه های مختلف و یارانه های اختصاص یافته از بودجه عمومی شود. همین طور سیاستی را دنبال کنند که بودجه فقط برای توسعه بخشهای اقتصادی و تجاری مردم و شرکتهای مستقل هزینه شود. در انتها تکمیل یک سیستم مالیاتی و اجرای سیاست مالیاتی منعطف برای تکمیل نمودن درآمدهای بودجه که مشوق توسعه شرکتهای کوچک و خصوصی مشترک با سرمایه گذاری خارجی به همراه تولید و استحصال محصولات کشاورزی و لوازم خانگی شود.

۳. تنظیم یک سیستم اعتباری و پولی: برای این منظور یک سیستم بانکی ایجاد شده که

دارای دو سطح می باشد و بانک مرکزی رهبری آن را برعهده گرفته است. این سیستم برای شبکه های مستقل تجاری و خصوصی فعالیت می نماید. همچنین می تواند باعث افتتاح شعب و نمایندگی بانکهای بزرگ خارجی در این کشور شود. بایستی این سیستم اعتباری و پولی بتواند باعث گردش پول مستحکم و کاهش تورم شود و شرایطی را ایجاد کند که واحد پول ملی ازبکستان بتواند رواج پیدا نماید.

۴. تنظیم یک سیاست قیمت گذاری و مبارزه با تورم: این کشور نمی توانست برای حذف

سوسپیدها یکباره و ناگهانی قیمت ها را رها سازد. لذا شروع به تنظیم سیاست قیمت گذاری کرد.

بدین ترتیب که اجرای مرحله به مرحله قیمت گذاری کالاها چه به صورت عمده و چه به صورت خرده در کنار افزایش عرضه کالایی که به قیمت آزاد مبادله می شود، را شروع کرد.

این امر باعث شد که قیمت بعضی از کالاها مثل ارزاق عمومی، آرد و نان به طور موقت تثبیت پیدا کند و با افزایش متناوب قیمت‌های خرید محصولات کشاورزی توانست تا حدودی با انحصار مبارزه کرده و شرایطی برای رقابت ایجاد نماید.

۵. بازسازی اقتصادی و اصلاح ساختار کشاورزی: مسأله کشاورزی پایه و اساس اقتصاد ازبکستان است. زیرا همانطور که اشاره شد، کشت پنبه یکی از محصولات استراتژیک این کشوری باشد. به همین دلیل برنامه‌هایی برای اصلاح ساختار کشاورزی در این کشور ارائه شده است که می توان به شرح زیر بیان داشت:

- توسعه گسترده اشکال جدید امور اقتصاد روستایی و تشکیل مناسبات اقتصادی که اجازه می دهد، دهقانان احساس کنند بر زمینی که در آن به کشت و زرع می پردازند مالکیت دارند. ادامه جریان واگذاری زمینهای آزاد شده از کشت پنبه و دیگر محصولات کشاورزی توسط سازماندهی سیستمهای دهقانی، توسعه مزارع کوچک خصوصی، ارائه قطعات زمین کوچک به کشاورزان جهت بهره‌وری در امور معیشتی و با حق امتیازات ثمرات.

- ایجاد تحولات عمیق در صنایع کشاورزی به منظور بهبود ساختارها و وضعیت زمینهای کشاورزی.

- حداکثر نزدیک سازی بخشهای تولیدی به امور کشاورزی، ایجاد کارگاهها و مراکز صنعتی در روستاها، توسعه گسترده کار در منازل و شبکه شرکتهای سرویس دهی ماشین آلات کشاورزی.

- تشکیل انشعابات فعال اجتماعی و تولیدی زیربنایی، تأمین مسکن روستایی و شبکه آب و گاز طبیعی روستاها.

- نکته بسیار مهم در تثبیت اقتصادی تأمین مواد غذایی و غله برای مردم است که یکی از تقدمهای سیاست کشاورزی می باشد.

۶. تغییر ساختار آموزشی و تقویت توانایی‌های فکری: این امر آنچنان در ازبکستان انجام نگرفته است. با آنکه مردم تا حدودی در آداب و سنن خود آزاد شده‌اند. همین‌طور می‌توانند به تحصیلات عالی بپردازند ولیکن به دلیل نبود دموکراسی نتوانسته‌اند، از تمام توانایی‌های فکری خود استفاده نمایند.

۷. خصوصی‌سازی اموال دولتی و ایجاد اقتصاد چندمنظوره: برای این منظور راهکارهایی ارائه شده است که می‌توان فهرست‌وار به شرح ذیل بیان داشت:

- ترتیبی داده شده است که کارگران کارخانه‌هایی که خصوصی شده‌اند، بتوانند برای خرید سهام کارخانجات اقدام نمایند. به چنین مالکیتی در یک مقیاس برابر اجازه استفاده از امکانات داده شده است.

این شیوه خصوصی‌سازی غیر از کارخانه‌ها در مورد مؤسسات زراعتی، باغها و تاکستان‌ها نیز عملی شده و از این طریق از ابتدای سال ۱۹۹۵ بیش از ۸۲٪ محصولات ناخالص تجاری و مایحتاج عمومی به بخش غیردولتی واگذار شده است.

- مهم‌ترین اقدام دیگر در خصوصی‌سازی، امر واگذاری مسکن بوده است. در جریان این حرکت بیش از یک میلیون خانه‌ای که پیش از این به دولت تعلق داشت و به قولی ۹۵٪ ذخیره مسکن دولت را در بر می‌گرفت، به مالکیت اتباع درآمد.

- از دیگر راه‌های خصوصی‌سازی در این کشور احداث شرکتهای سهام، انتشار سهام و حرکت به سوی ایجاد بورس است. مثلاً سهام دولت در صنایع از حداکثر ۲٪ فراتر نمی‌رود.

۸. تغییر ساختار و انحلال نظام اداری هدایت‌کننده: حرکت به سوی اقتصاد بازار، تجدید روابط اقتصادی و تغییر ساختار اداری را طلب می‌کند. در این کشور نیز این امر صورت گرفته است. در نتیجه این تغییرات، وظایف اداری زیادی دگرگون شده است و نهادهای جدیدی پدیدار گشته و سیستم سیاست‌گذاری از بالا منحل شده است. در ساختار جدید نهادهایی چون شرکتهای سهامی تجاری و بورس جمهوری پدیدار شده‌اند. در حال حاضر نقش ساختار برنامه و بودجه این کشور تغییر پیدا کرده و ساختار جدیدی پدید آمده که سیاست کلان مالی و پولی را

تهیه و عملی می‌کند. سیستم دوگانه بانکها نیز دچار دگرگونی شده و بانک دولتی سابق از بین رفته و به جای آن بانکهای متفاوت به وجود آمده‌اند.

۹. اعتدال قیمت‌ها و ایجاد زیربنای بازار: موارد زیر را شامل می‌گردد:

۱. عدم اشتباه جدی در سیستم اداری و حفظ اهرمهای واقعی و اقتصادی؛

۲. رجحان دادن به قواعد حقوقی و اصول اقتصادی به ویژه در بخش اجرایی و مالی؛

۳. تغییر بافت ادارات در جهت توسعه تولیدات اقتصادی.

در جریان گذر از سیستم متمرکز دولتی، آزادسازی قیمت‌ها و هماهنگی آنها با عرضه محصولات اهمیت زیربنایی یافت. حفظ قیمت در بازار که در واقع بر پایه برابری عرضه و تقاضاست، یکی از مهمترین شاخصه‌های اقتصاد بازاری است که منافع تولیدکننده و مصرف‌کننده را در جامعه تأمین می‌کند. آزادسازی قیمت‌ها با طرحهای اصلاحات نسبت مستقیم دارد. به این معنی که به هنگام آزادسازی قیمت‌ها مطابق استاندارد جهانی، باید این نکته را در نظر داشت که سطح تقاضا در بازار پایین نیامده و در درازمدت به عرضه محصولات لطمه‌ای وارد نیاید. در ازبکستان سعی شده سیاست آزادسازی قیمت‌ها بتدریج دنبال شود که این روش به صاحبان صنایع و مردم اجازه داده است که خود را به آرامی با شرایط جدید تطبیق دهند. مرحله اساسی در برنامه آزادسازی قیمت‌ها از اکتبر تا نوامبر ۱۹۹۴ بوده است ولی در اوت ۱۹۹۲ قانونی به نام تجدید انحصارات برای توسعه رقابت تصویب شده است. طبق این قانون قیمت‌ها تنظیم و بهای خرید محصولات کارخانه‌ها تعیین گردید و همین‌طور قوانینی برای مسایل مالی - اعتباری، بیمه، مشاوره، بورس، حقوق و غیره تصویب کرد که تمام این قوانین راههای ورود به اقتصاد بازار آزاد می‌باشد.

۱۰. حرکت به سوی اقتصاد جهانی: مهمترین کار در این کشور خروج از انزوای اقتصادی

بوده است. برای این امر در سیاست خارجی خود بازنگری اساسی انجام داده است و از نظر این کشور اساس ایجاد اقتصاد آزاد شرکت در روابط اقتصادی جهانی و تقسیم کار بین‌المللی می‌باشد.

این کشور فعالانه به مکانیسم جامع همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی داخل شده و در تشکیلات ملل متحد مثل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان بین‌المللی کار و سازمان جهانی بهداشت شرکت جسته است. مثلاً همکاری با بانک جهانی منجر به انعقاد موافقتنامه اعطای وامی به ارزش ۱۶۰ میلیون دلار برای این کشور گردیده است.

این کشور به اکوپوسته و در انجام پروژه‌های مشترک حمل و نقل و شبکه‌های ارتباطی در زمین و دریا به بازار جهانی نزدیک شده است و در آینده نزدیک نیز می‌تواند به WTO بپیوندد. برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤسساتی مثل شرکت ملی پنبه‌ازبک یا بانک ملی ایجاد شده و برای فعالیت اقتصاد خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی یارانه‌هایی نیز پرداخت می‌گردد. مثلاً کارخانه‌هایی که مشترکاً با سرمایه خارجی ایجاد گردیده تا ۵ سال از پرداخت مالیات معاف هستند و یا حفظ مالکیت زمین برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری. به‌طور کلی می‌توان گفت این کشور برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی درهای خود را بر روی جهانیان گشوده و سعی می‌کند تا درهای جهان را نیز بر روی خود باز کند.

۱۱. تثبیت اقتصادی و تحکیم پول ملی: تثبیت اقتصادی و مالی شرط اساسی برای رونق و توسعه اقتصادی این کشور است. این امر پیش از همه مانع از ایجاد بحران می‌شود. برای تثبیت اقتصادی، این کشور چندین کار را انجام داده که تحکیم پول ملی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اول ژوئیه ۱۹۹۴ در خاک ازبکستان پول ملی به نام صوم شناخته شده و با این کار مرحله جدیدی در اصلاحات پدید آمده است.^(۹)

۲. قزاقستان

الف) ساختار اقتصادی قزاقستان

جمهوری قزاقستان با توجه به گوناگونی اقلیم و پهناوری سرزمین یکی از غنی‌ترین کشورهای آسیای مرکزی است که دارای ذخایر عظیم تنگستن، کروم، روی، نقره، مس، سرب، منگنز، اورانیوم و منابع زغال سنگ، نفت و گاز است.^(۱۰) تا پیش از استقلال این جمهوری در

خصوصی سازی در آسیای مرکزی

راستای برنامه ریزی متمرکز اقتصادی اداره می شد. اما پس از استقلال، بنابه دستور رئیس جمهور شالوده اقتصادی این کشور دگرگون شد و تلاش به سوی ایجاد اقتصاد مبتنی بر بازار آغاز شد. اکنون دولت قزاقستان بر بخش بزرگی از فعالیتهای غالب است. وجود ساختار مناسب صنعتی، زمین های حاصلخیز، مراتع بزرگ و بهره برداری فرآورده های کشاورزی به ویژه غلات (این کشور انبار غله شوروی سابق محسوب می شد) این جمهوری را در میان سایر جمهوری ها از وضعیت مطلوب تری برخوردار ساخته است.

شاخص های کلان اقتصادی قزاقستان سال ۲۰۰۰

تولید ناخالص داخلی	تورم	بدهی خارجی	نسبت سرمایه گذاری	نسبت سهم	رشد GDP	جمعیت
(میلیارد دلار)	ماهانه	(میلیون دلار)	خارجی به GDP	کشاورزی به GDP	(۲۰۰۰)	(میلیون نفر)
۱۸/۳	۱۳٪	۶۶۶۴	۶/۹	۹	۹/۶	۱۷

ب) خصوصی سازی در قزاقستان

سران قزاقستان در سال ۱۹۹۱ برنامه خصوصی سازی این کشور را آغاز نمودند. تشکیل دو آژانس مربوط به ذخایر استراتژیک قزاقستان و آژانسهای برنامه ریزی استراتژیک، سرآغاز حرکت این کشور به سوی بازار آزاد بود و نیز ایجاد وزارت اقتصاد و بازرگانی از ادغام برخی ارگانهای دولتی در راستای ایجاد راهکاری برای اقتصاد آزاد بود. با آزاد کردن حق تملک زمین توسط افراد، منع قانونی برای سرمایه گذاری برداشته شد و حرکت به سوی خصوصی سازی آغاز گردید. برنامه خصوصی سازی در این کشور به دلیل وجود مخالفان جدی در دولت با مشکلاتی روبرو است همین امر تغییر نگرش به سمت نوعی اشتراک جدید را موجب شده است.

این کشور در زمینه صنعت هم دارای پتانسیل قوی است. به علاوه دارای ذخایر عظیم نفت و گاز و ذغال سنگ است که باعث شده نگاهش به غرب جهت دریافت کمکهای آنها به ویژه در بخش نفت و گاز و معادن کشور باشد. در این رابطه، قزاقستان اقدام به تشکیل شرکت مشترک

با شرکتهای چندملیتی غرب برای استخراج نفت و طلا و معادن و نیز تأسیس بانک صادرات و واردت جهت جلب وام و خدمات خارجی و اعطای اعتبار به کارخانجات را نموده است. در زمینه فعالیتهای خصوصی سازی این کشور بیش از ۴۰۰ شرکت و مؤسسه را که بیشتر در بخش خدمت است به فروش رسانده که اغلب کارگران شاغل همان شرکتها با قیمتی کمتر از ارزش ثبت شده همراه با امکاناتی جهت پرداخت اعتبار خریداری نموده‌اند. تعداد دیگری از شرکتها هم به صورت مزایده‌ها یا پیشنهاد مناقصه مستقیم به فروش رسیده است و تنها تعداد اندکی به صورت شرکت سهامی پیشنهاد شده‌اند.

برنامه خصوصی سازی برخی از بخشها مانند مجتمع دفاعی، راه آهن و بخشهایی که فعالیت آنها محیط زیست را به خطر می‌اندازد در بر نمی‌گیرد.

براساس بررسی‌های به عمل آمده میان ۵ کشور آسیای مرکزی و دو کشور روسیه و لهستان، سطح خصوصی سازی قزاقستان بین ۱ تا ۴/۳ به شرح زیر است (۱۱):

درجه خصوصی سازی واحدهای بزرگ ۳

درجه خصوصی سازی واحدهای کوچک ۴

به‌طور کلی می‌توان روند خصوصی سازی در قزاقستان را در محورهای ذیل تجزیه و

تحلیل نمود:

۱. ایجاد پایه‌های حقوقی مناسب با تصویب قوانین اساسی در زمینه‌های اقتصادی و تعیین اساس اقتصاد چندبُعدی در جهت ایجاد اشکال جدید مالکیت در کشاورزی و صنعت. این جمهوری پس از فروپاشی شوروی سابق و با انتخاب نورسلطان نظربایف به عنوان رئیس جمهوری، قانون اساسی جدیدی را در سال ۱۹۹۳ به تصویب رساند و در سال ۱۹۹۵ طی یک فرآیند عمومی قانون اساسی خود را اصلاح کرد. در این قانون اساسی اعطای حق تملک زمین به افراد را به تصویب رساند که این امر در نظر اقشار مختلف مردم بسیار مهم بود و این یکی از گامهای بلند این کشور در ایجاد پایه‌های حقوقی مناسب بود.

سپس رئیس جمهور طی فرمانی براساس بند ۲ ماده ۴۳ قانون اساسی قزاقستان دستور

تشکیل آژانس مربوط به ذخایر استراتژیک قزاقستان و آژانس برنامه ریزی استراتژیک را صادر کرد. این دو آژانس به عنوان دو ارگان دولتی بسیار مهم در امور اقتصادی و حرکت به سوی بازار آزاد تشکیل شده بود. سپس دستور ایجاد وزارت اقتصاد و بازرگانی داده شد که این وزارتخانه از ادغام وزارت های اقتصاد، صنایع و بازرگانی، ساختمان و مسکن، کمیته دولتی ضدانحصاری، قیمت گذاری، کمیته دولتی آمار، کمیته دولتی استاندارد و کمیته دولتی مربوط به حق مؤلف تشکیل شد و کار این وزارتخانه جدید ایجاد راهکارهایی برای یک اقتصاد پویا بود.

برای تعیین اقتصاد چندبُعدی در جهت ایجاد اشکال جدید مالکیت در کشاورزی و صنعت و بازسازی اقتصادی و اصلاح ساختار کشاورزی می توان گفت این کشور اساس اقتصاد دو بُعدی را در کشاورزی و صنعت مدنظر خود قرار داده است.

این کشور با آزاد کردن حق تملک زمین توسط افراد توانسته است تا حدودی منع قانونی برای سرمایه گذاری را از جلو پای خود برداشته و حرکت به سوی خصوصی سازی را انجام دهد و همین طور با شروع روند خصوصی سازی آشکار شده که موضع غالب دولت بتدریج از بازار آزاد به سوی نگرش اشتراک جدید تغییر می کند. لذا تعیین اساس اقتصادی در کشاورزی در این جمهوری مدنظر بوده ولی تاکنون نتوانسته اند که به سمت یک قانون مدون و جدید پیش بروند. این کشور در زمینه صنعت هم دارای پتانسیل بسیار قوی می باشد. مثلاً دارای ۳ میلیارد دلار صادرات و یک میلیارد دلار واردات بوده است. این کشور دارای ذخایر عظیم نفت و گاز و زغال سنگ است که باعث شده این کشور تمام هم و غم خود را متوجه غرب و کمک های آنها علی الخصوص بخش نفت و گاز و معادن کشور نماید. اقدام به تشکیل شرکت مشترک با شرکتهای چندملیتی غربی برای استخراج نفت و طلا و معادن و تأسیس بانک دولتی صادرات و واردات را باید در همین راستا ارزیابی کرد. هدف این بانک جلب وام و خدمات خارجی و اعطای اعتبار به کارخانجات جهت وارد کردن تکنولوژی، تجهیزات و مواد ضروری و همچنین اصلاحات بنیادی و افزایش تولیدات داخلی و اعطای اعتبار به صادرکنندگان محصولات تولیدی و سرمایه گذاری بلندمدت و کوتاه مدت در پروژه های تولیدی می باشد. هم اکنون حدود ۲۰۰ پروژه مشترک

صنعتی به عنوان فعالیتهای خارجی در قلمرو قزاقستان به ثبت رسیده که بیشتر آنها توسط غربی‌ها و ترک‌ها منعقد شده است.

۲. تنظیم یک سیاست مالی - مالیاتی، اعتباری - پولی و قیمت‌گذاری و مبارزه با تورم. این کشور برای حرکت به سوی خصوصی‌سازی و بازار آزاد بایستی مبادرت به تنظیم یک سیاست مالی و پولی کند که این کار را نیز انجام داده است. مثلاً کوزی کورپس انسرلین رئیس کمیته اموال دولتی اولویتهای ضروری و فوری در تداوم برنامه خصوصی‌سازی این کشور را شرح داده است. او به دست‌اندرکاران روند خصوصی‌سازی اظهار داشته که از مانع میان دولت و تجارت عبور کرده و اکنون مصمم است از هر طریق ممکن این مانع را بردارد. وی طرحهای برنامه مشروح اقتصادی این کشور را به سه مرحله تقسیم کرده که عبارتند از:

مرحله اول: در این دوره دولت از منابع خرد و حداقل وامهای خارجی برای تأمین بودجه و تراز پرداخت استفاده می‌کند. به طوری که به تورم زیر ده درصد دست یابد.

مرحله دوم: در این دوره تأکید عمده بر کاهش بودجه از طریق کاهش هزینه‌ها نیست بلکه وضع سیاست ضدتورمی با کاهش اجزای تورمی کسر بودجه است.

مرحله سوم: در این دوره دولت تنها یک سیاست خشن ضدتورمی، خاتمه کاهش تولیدات و سطح زندگی و ایجاد شرایط رشد اقتصادی را ذکر می‌کند.

همین‌طور دولت قزاقستان مشخص‌ترین عنصر اقتصاد بازار یعنی آزادسازی قیمت‌ها را به عنوان راه رسیدن به بازار واقعی انتخاب کرده است. در صورتی که آن آزادسازی چنانچه شرایط رقابت کامل وجود داشته باشد، پتانسیل مثبتی دارد که در قزاقستان بدین‌گونه نیست. پس می‌بینیم که این کشور قوانینی را به تصویب رسانده ولی تاکنون نتوانسته است که گامی مثبت در این روند طی نماید.

۳. تثبیت اقتصاد و تحکیم پول ملی

رئیس‌جمهور این کشور در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۹۳ رسماً خروج از حوزه پولی روبل و انتشار پول ملی این کشور تحت نام تنگه را اعلام می‌کند.

۴. حرکت به سوی اقتصاد جهانی

دولت قزاقستان با صدور پنج مصوبه که از ۱۴ آوریل تا اول ژوئن ۱۹۶۶ به اجرا درآمده اند ضمن کاهش تعرفه های محصولات صادراتی و وارداتی، تجارت خارجی را آزاد کرده است. تصمیمات دولت پیرو توصیه بانک جهانی جهت اعطای اعتبار به این کشور اتخاذ گردیده است. همچنین رهبران قزاقستان تمایل جدی خود را برای ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) اعلام کرده اند، بیشترین میزان آزادسازی تجارت خارجی در قزاقستان در آوریل سال ۱۹۹۵ مشاهده گردید.

همین طور این کشور برای این که بتواند سرمایه گذاری خارجی را جلب نماید و خود نیز وارد اقتصاد جهانی شود کارهایی انجام داده که می توان به مهمترین آن یعنی ایجاد قانونی برای تشکیل و فعالیتهای شرکتهایی با سرمایه خارجی اشاره کرد. طبق این قانون منظور از سرمایه گذاری خارجی تمام انواع اموال و وجوه ارزی است که سرمایه گذار خارجی برای تولید کالا و خدمات به این کشور وارد می کند. سرمایه گذار خارجی می تواند به صورت تشکیل شرکت به مشارکت در اموال اشخاص حقوقی، سهام و یا سایر اوراق بهادار، اموال دیگر و نیز کسب حقوق مادی و حق استفاده از منابع قزاقستان برای تحقق فعالیتهای اقتصادی و غیره در خاک این جمهوری داشته باشد. سرمایه گذار خارجی در تمام زمینه های اقتصادی مجاز می باشد مگر در مورد تولید اجناس و مواد برای مصارف مستقیم نظامی.

در این جمهوری اموال مؤسسات و شرکتهای با سرمایه خارجی را نمی توان ملی کرد و در صورت خاتمه فعالیت، مؤسسه حق دارد سهم خود را از این کشور خارج کند و همین طور سرمایه گذاران خارجی حق دارند سهام و سایر اوراق بهادار مؤسسات را به ترتیب و شرایطی که توسط قانون معین می شود، خریداری نمایند. همین طور این کشور حق استفاده از زمین و منابع طبیعی را به شرکتهای خارجی داده است. از این رو کشورهای خارجی به ویژه اروپای غربی خواهان سرمایه گذاری وسیع در حوزه های نفتی این کشور هستند و بزرگترین شریک تجاری این کشور شرکت «شورون» آمریکایی می باشد که اکتشاف از حوزه نفت تنگیز را برعهده دارد. (۱۲) پس به طور کلی مشاهده می شود پذیرش بین المللی برای این کشور صورت گرفته و این کشور تا حدودی توانسته در عرصه بین المللی راه یابد و به فعالیتهای اقتصادی بپردازد.

۳. ترکمنستان

الف) ساختار اقتصادی ترکمنستان

اقتصاد ترکمنستان مانند تمام جمهوری‌های دیگر آسیای مرکزی مبتنی بر مالکیت دولتی بوده است. طبق آمار منتشره دولتی ۹۵٪ کل محصولات این کشور توسط واحدهای دولتی تولید می‌شدند. توزیع کالا در اختیار دولت بود و بیشتر فروشگاه‌ها، بانک‌ها، بیمه و بازرگانی خارجی به صورت دولتی، تنها تجارت و کسب و کار جزئی به صورت خصوصی انجام می‌گرفت.

سیستم اقتصاد متمرکز دولتی در این کشور موجب از بین رفتن روحیه ابتکار، کار و تلاش فردی و بروز کم‌کاری و رکود، سختی پیشبرد امور به خاطر تشکیلات عریض و طویل اداری و بوروکراسی فلج‌کننده، عدم انباشت سرمایه و نبود امکان سرمایه‌گذاری، فقر تکنولوژی، فقدان تخصص و دانش فنی شده بود.

اقتصاد ترکمنستان به تعبیری تک‌محصولی بوده و گاز و پنبه مهمترین تولیدات این کشور هستند و هیچ محصول جایگزین دیگری وجود ندارد.

اقتصاد این کشور وابسته و تابع برنامه‌ریزی‌های انجام شده در زمان اتحاد شوروی است. قبل از استقلال، این کشور تولیدات خود را به سایر جمهوری‌های شوروی می‌فروخت و نیازهای خود را از آنان تأمین می‌کرد که در حال حاضر نیز این شرایط تا حدودی باقی مانده و دست این کشور در انجام اقدامات مستقل بسته است. (۱۳)

شاخص‌های کلان اقتصادی ترکمنستان سال ۲۰۰۰

رشد	نسبت سهم کشاورزی به	نسبت سرمایه‌گذاری	بدهی خارجی	تورم	تولید ناخالص داخلی	جمعیت
GDP	GDP	خارجی به GDP	(میلیون دلار)	ماهانه	(میلیارد دلار)	
۱۶	٪۲۷	٪۴/۵	۲۲۵۹	٪۸	۴/۴ میلیارد	۴/۸

ب) خصوصی سازی در ترکمنستان

محور اصلی اصلاحات اقتصادی در جمهوری ترکمنستان اجرای خصوصی سازی است. دولت مصمم است که واحدهای فعال در بخشهای نفت و گاز و برق و نیرو، راه آهن و هواپیمایی و مخابرات، نمایندگی های خبری و اطلاعاتی، بهداشتی، آموزشی و پرورش و فرهنگ را همچنان زیر مالکیت خود نگه دارد و بقیه را به بخش خصوصی واگذار نماید. در اجرای این فرایند، کمیسیون ویژه ای در وزارت اقتصاد و دارایی ترکمنستان تشکیل شده که واحدهای اقتصادی قابل واگذاری توسط این کمیسیون فهرست برداری شده و مشخصات آن نیز تعیین می گردد. کمیسیون ویژه خصوصی سازی، مؤسسات اقتصادی را به دو گروه تقسیم نمود:

۱. ابتدا واحدهایی که زیر ۱۰۰ نفر پرسنل دارند، لازم است تمام آنها تا پایان سال ۱۹۹۴ به بخش خصوصی واگذار گردند که این امر تا حدودی انجام شده است.

۲. در مرحله بعد واحدهای دارای بیش از ۱۰۰ نفر پرسنل که این واحدها از سال ۱۹۹۵ به تدریج به اشخاص حقیقی و حقوقی در حال واگذاری است.

دولت اعلام کرده است که اتباع خارجی نیز می توانند به تنهایی و یا با مشارکت اتباع ترکمنستان، مؤسسات و کارگاههای اقتصادی را خریداری نموده و به کار گیرند.

چنان که ذکر شد اقتصاد این کشور اتکای زیادی به بخش کشاورزی به ویژه تولید پنبه دارد. لذا اصلاحات در بخش کشاورزی نیز از سیاستهای خصوصی سازی دولت ترکمنستان است و دولت اعلام نموده که به اشخاص حائز شرایط تا ۵۰ هکتار زمین واگذار می کند. همچنین در نظر است کالخوزها و ساخوزهای موجود به مجتمع های کشاورزی تبدیل و سهام آنها به اعضا فروخته شود.

البته واگذاری مالکیت مؤسسات صنعتی بزرگ در ترکمنستان با دشواری روبرو است چرا که خرید صنایع تحت تملک دولت نیازمند قدرت خرید بالا است.

سطح خصوصی سازی در ترکمنستان بین حداقل ۱ تا حداکثر ۴/۳ (در بررسی میان جمهوری های آسیای مرکزی و دو کشور لهستان و روسیه) به شرح زیر است: (۱۴)

درجه خصوصی سازی مؤسسات بزرگ ترکمنستان ۱/۷

درجه خصوصی سازی مؤسسات کوچک ترکمنستان ۲

می توان روند خصوصی سازی در ترکمنستان را به شرح زیر تبیین نمود:

اول - ایجاد پایه های حقوقی مناسب با تصویب قوانین اساسی در زمینه های اقتصادی. در زمان اتحاد شوروی سابق، این کشور به مانند سایر جماهیر عنان اختیار اقتصاد خویش را در دست نداشت و ناگزیر بود در چارچوب سیاستها و برنامه های اقتصادی تنظیم شده در مرکز (مسکو) عمل کند که با تجزیه شوروی و استقلال جماهیر، ترکمنستان کنترل اقتصاد خود را به دست گرفت و در دو جهت شروع به کار نمود:

۱. قطع رشته های وابستگی اقتصادی

۲. پایه ریزی یک اقتصاد ملی به منظور استفاده مستقل از منابع خدادادی و تأمین نیازهای داخلی. برای رسیدن به این امر این کشور می بایست تعهد جهانی و همه جانبه ای مبنی بر اتکای بیشتر به بازار و حاکمیت قیمت بازار و استقلال بخشیدن به امر مالکیت خصوصی را پیش بگیرد. زیرا اگر این کار را انجام نمی داد رشد اقتصادی این کشور در بلندمدت تأمین نمی گردید. لذا شروع به ایجاد یک سیستم حقوقی جدید که بتواند تضمین کننده قراردادهای بین المللی در این کشور و همچنین روشهای نوین برای بیمه و سیستمهای حاکمیت را داشته باشد در دستور کار خود قرار داد. در این کشور مالکیت مؤسسات صنعتی با دشواری بزرگی مواجه شده که تاکنون لاینحل باقی مانده است. چرا که دولت این کشور بر آن است که صنایع تحت تملک خویش را به بخش خصوصی واگذار نماید ولی کیست که قدرت خرید این مؤسسات را داشته باشد.

مسأله تأمین مواد خام و سوخت و وسایل بدکی نیز به مشکل بزرگی مبدل گردیده است. از این رو تولید در اکثر مؤسسه های صنعتی متوقف مانده یا به حداقل رسیده، در نتیجه دولت این کشور دست نیاز به سوی سرمایه خارجی دراز کرده است. سرمایه خارجی هم بدون پشتوانه و تضمین لازم صرف نمی شود. از این رو دولت این کشور قوانینی را تصویب کرده که

خصوصی سازی را در این کشور تسهیل کند که می توان آنها را به شرح زیر بیان کرد:

۱. تمامی خارجی ها می توانند اموال غیرمنقول را خریداری کنند.
۲. هیچ محدودیت برای واردات و صادرات ارز خارجی وجود ندارد.
۳. سرمایه گذاران خارجی دارای ۵ سال فعالیت، از مالیات بردرآمد ارزی معاف هستند و برای فروش ارز به بانک مرکزی ترکمنستان آزاد هستند.

با تصویب این قوانین حرکت سرمایه گذاری خارجی در این کشور مشاهده گردید. مثلاً تعداد ۲۴۳ سرمایه گذاری مشترک تاکنون در این کشور به ثبت رسیده است. شرکتهای عرب، ترک، آلمانی، و آمریکایی چندین قرارداد برای تولید نفت در ترکمنستان امضا کرده اند. بانک اروپایی برای توسعه و بازسازی، اعتباری برای ارتقای تجارت در ترکمنستان باز کرده است. بانک جهانی برای توسعه برنامه اصلاحات اقتصادی و تقویت آژانسهای دولتی مسئول در این امر وام ۲۵ میلیون دلاری بیست ساله ای به ترکمنستان اعطا کرده است. پس به طوری کلی مشاهده می شود این کشور تا حدودی پایه های حقوقی مناسبی در زمینه های اقتصادی گذاشته است ولی کامل نیست و نیاز به یک بازنگری کلی دارد.

دوم- تعیین اساس اقتصاد چندبُعدی در جهت ایجاد اشکال جدید مالکیت در کشاورزی و صنعت: برای تعیین اساس اقتصاد جدید باید توجه داشت که در این کشور از انرژی و مواد اولیه بهره کافی و مطلوب صورت نمی گیرد و دیگر آن که همواره بخش عظیمی از ثروتهای این جمهوری در خارج از قلمرو اقتصاد ملی این کشور استفاده می شود و سوم این که این کشور از منابع نسبتاً محدود اقتصادی برای بهره برداری در تولید کشاورزی - صنعتی مدرن برخوردار است. این سه عامل در مقیاس وسیعی جای این جمهوری را در سیستم اقتصاد جهانی تعیین می کند و به طور محسوسی بر سیاست اقتصادی این کشور اثر می گذارد.

تا فروپاشی شوروی سیاست این کشور در زمینه مبادلات بازرگانی ناشی از آن بود که محصولات اقتصادی آنها را مواد اولیه تشکیل دهد و شوروی سابق از رشد صنایع تبدیلی این جمهوری که سبب اعتلای صنعت فرآوری مواد اولیه و در نتیجه بالا رفتن قیمت آنها می شد،

جلوگیری می‌کرد. این سیاست سبب شده که این جمهوری فقط در زمینه استخراج مواد اولیه تخصص پیدا کند. موادی که بازار آن نیز در انحصار حکومت مرکزی بود. لذا پس از فروپاشی این جمهوری سعی کرد که اشکال جدیدی را در مالکیت در صنعت و کشاورزی خود به وجود آورد و قوانین جدیدی را نیز وضع کرد. ولی چون به سبب نداشتن سرمایه، محدودیتهای بازار بین‌المللی و ضعف قدرت خرید داخلی به شدت به کانونهای صنعتی جهان محتاج گردیده این جمهوری به بازار سرمایه جهانی وابسته گردیده است. در نتیجه تقسیم کار بین‌المللی توسط کشورهای صنعتی باعث شده که حاکم بر اوضاع و احوال این کشور گردند. لذا این کشور توانسته که اشکال جدید در مالکیت کشاورزی و صنعتی به وجود آورد ولی کارآمد نیست.

سوم - تنظیم یک سیاست مالی - مالیاتی و اعتباری.

قوانین مالیاتی ترکمنستان از موقع تشکیل ترکمنستان به عنوان کشور مستقل تهیه شده و در حال حاضر هم تکمیل می‌شود. اصولاً منابع قوانین مالیات ترکمنستان قانون اساسی تصویب شده در سال ۱۹۹۲ و قوانین اقتصادی از جمله قانون راجع به مؤسسات ۱۹۹۳، قانون راجع به اموال و مالکیت ۱۹۹۳، قانون راجع به فعالیت بازرگانی ۱۹۹۳، قانون راجع به سرمایه‌گذاری خارجی ۱۹۹۲، قانون راجع به افلاس و ورشکستگی ۱۹۹۲، قانون راجع به مناطق آزاد اقتصادی ۱۹۹۳ و قوانین دیگر می‌باشد. ابتدا مالیاتها براساس دستورات و فرمانهای رئیس جمهور تعیین و به جریان انداخته می‌شدند که بدین ترتیب باعث تغییرات سریع در نحوه حساب مالیات براساس تغییرات در وضع اقتصادی بوده است. با به جریان انداختن ارز ملی (منات) و با توجه به تثبیت وضع اقتصادی ترکمنستان، قوانین مالیات از طرف مجلس تصویب و تأیید شدند.

چهارم - بازسازی اقتصادی و اصلاح ساختار کشاورزی

این کشور برای بازسازی اقتصاد کشاورزی خود اقداماتی کرده است. مثلاً در بخش کشاورزی دولت اعلام کرده که به اشخاص حائز شرایط تا ۵۰ هکتار زمین واگذار می‌کند و آنها می‌توانند در آن شخصاً کشت و زرع کرده و محصولاتشان را به فروش برسانند. همچنین در نظر

دارد که کالخوزها و ساوخوزهای موجود به مجتمع‌های سهامی کشاورزی مبدل و سهام آن به اعضا فروخته شود.

به‌طور کلی نرخ رشد سالانه اقتصاد این کشور ۱۲ درصد بوده و اولویت اول برنامه در بخش نفت و گاز و سپس کشاورزی (خصوصاً پنبه) است و دولت در نظر دارد با استفاده از عواید این دو بخش سایر بخشهای اقتصاد را توسعه داده و رونق بخشد.

پنجم - تغییر ساختار آموزشی و تقویت توانایی‌های فکری

این کشور برای رسیدن به سطح استاندارد در اقتصاد خود و حرکت به سوی خصوصی‌سازی خواهان تأسیس کانون‌های تکنولوژی نوین و کارخانه‌هایی با روشهای فنی بالا که با استفاده از آنها، سطح علمی دانشگاههای دیگر خود را ارتقا دهد و شیوه‌های فنی برتر را به کار گیرد و برای دستیابی به این منظور می‌خواهد که از سرمایه‌گذاری دیگر کشورها به اقتصاد راکد خود استفاده نماید. ترکمنستان با سپری ساختن دوره‌ای از اصلاحات، نیازمند اطلاعات فنی، مدیریتی و متخصص‌هایی به منظور اصلاح و افزایش ظرفیت پالایشگاههای خود می‌باشد. از این رو این کشور سعی دارد که توان خود را جهت بالا بردن سطح دانش فنی و پیشرفت اقتصادی به کار گیرد. شناخت استعدادهای طبیعی و نیروی انسانی منطقه، انتخاب دانشجویان بومی و ایجاد تسهیلات جهت این دانشجویان و جذب آنان در مراکز دانشگاهی معتبر در دنیا، مبادله دانشجو و تربیت نیروهای متخصص اساس کار این کشور می‌باشد که این امر فواید بسیار برای این کشور دارد.

ششم - خصوصی‌سازی اموال دولتی و ایجاد اقتصاد چندمنظوره

رهبران ترکمنستان به درستی دریافته‌اند که اقتصاد سوسیالیستی به جای مانده از دوران اتحاد کارآیی خود را از دست داده و قادر به تأمین نیازهای کشور و مردم نیست، لذا انجام برخی تغییرات اساسی در این سیستم در دستور کار آنان قرار گرفت.

محور اصلی اصلاحات، خصوصی‌سازی بود. دولت تصمیم گرفت واحدهای فعال در بخشهای نفت و گاز، برق و نیرو، راه آهن و هواپیمایی، مخابرات، آزمایشهای خبری و اطلاعاتی،

بهداری و آموزش و فرهنگ را همچنان تحت مالکیت خویش حفظ کرده، مابقی را به بخش خصوصی واگذار نماید. کمیسیونی جهت فهرست برداری و تعیین مشخصات فنی - اقتصادی واحدهای تولیدی و خدماتی تشکیل شد. این کمیسیون مؤسسات اقتصادی موجود را به دو گروه تقسیم کرد:

۱. واحدهایی که زیر ۱۰۰ نفر پرسنل دارند، لازم است تمامی آنها تا پایان سال ۱۹۹۴ به بخش خصوصی واگذار گردد که این امر تا حدودی انجام گردیده است.

۲. واحدهای دارای بیش از ۱۰۰ نفر پرسنل که این واحدها از سال ۱۹۹۵ به بعد به تدریج به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار شده است.

دولت اعلام کرده است اتباع خارجی نیز می‌توانند به تنهایی یا با مشارکت اتباع ترکمنستان، مؤسسات و کارگاههای اقتصادی را خریداری نموده و به کار گیرند. بدین ترتیب روند خصوصی سازی شروع شده و طی آن مشخصات مؤسسات عرضه شده در جراید کثیرالانتشار به چاپ رسیده و به تدریج به مالکیت بخش غیردولتی درآمده و کمیسیون مخصوصی از جانب دولت مسئولیت انجام این کار را بر عهده گرفته است. از جمله اقدامات دیگری که در راستای اصلاحات اقتصادی صورت گرفته است برنامه ریزی دولت برای احداث مناطق آزاد تجاری - صنعتی بوده است و رهبران این کشور در مجاورت شهرهای عشق آباد (دو منطقه) کراسنودسک، چارجو و مرو ۷ منطقه آزاد تجاری تأسیس کنند. در این مناطق به منظور جذب سرمایه‌های خارجی مزایا و معافیهایی در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

الف) سرمایه گذاران خارجی تا سه سال از پرداخت هرگونه مالیاتی معاف بوده و هیچ‌گونه وجهی بابت اجاره زمین نخواهند پرداخت.

ب) دولت در مورد هزینه‌های آب و برق و گاز تخفیف‌های کلی برای آنان در نظر گرفته است. هفتم - تغییر ساختار و انحلال نظام اداری هدایت‌کننده.

هشتم - تثبیت اقتصادی و تحکیم پول ملی.

این کشور برای رسیدن به یک اقتصاد خودکفاسعی در تحکیم پول ملی خود نموده است.

واحد قبلی پول ترکمنستان تا اواسط سال ۱۹۹۳ روبل اتحاد شوروی سابق بوده که به دلیل ایجاد وابستگی های پولی و مالی به روسیه، دولت تصمیم به انتشار پول ملی گرفت. این کار در نوامبر ۱۹۹۳ انجام شد. واحد پول جدید ترکمنستان منات است.

نهم - حرکت به سوی اقتصاد جهانی.

ترکمنستان با عضویت در سازمان ملل از کمکهای اقتصادی این سازمان بهره گرفته است. این کشور با حضور فعال در کنفرانسهای بین المللی می کوشد تا نظر سرمایه گذاران خارجی را به فعالیت در این کشور جلب نماید. در سطح منطقه ای ترکمنستان با عضویت در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) به تدریج نقش فعالی در این سازمان می یابد. در این ارتباط، مهمترین اقدام مقامات ترکمنستان در این مورد خودداری از عضویت در اتحادیه اقتصادی کشورهای مستقل مشترک المنافع بوده که نارضایتی شدید اعضای این سازمان را باعث شده است. در توجیه این موضع دولت ترکمنستان استدلال می کند با هرگونه تشکیلات فرادولتی مخالف است و ترجیح می دهد هرگونه همکاری با دیگر کشورها را از طریق روابط دوجانبه انجام دهد. (۱۵)

۴. قرقیزستان

الف) ساختار اقتصادی قرقیزستان

دولت قرقیزستان به دنبال استقلال، حرکت وسیعی برای تعدیل ساختار اقتصادی کشور به منظور ایجاد فضای باز اقتصادی و حرکت به سوی اقتصاد مبتنی بر بازار انجام داده است. براساس برنامه های جدید گرایش به سمت اقتصاد باز مبتنی بر ارتباط با سایر کشورهای جهان توسط دولت مورد تشویق قرار گرفته و سرمایه گذاری خارجی به عنوان عامل ضروری در توسعه اقتصادی آینده مورد توجه است. در این ارتباط قوانین وسیعی توسط مجلس قرقیزستان، برای خصوصی سازی، ایجاد سرمایه گذاری مشترک، مناطق آزاد تجاری و آزادسازی تجارت خارجی، امتیاز بهره برداری و استخراج منابع طبیعی، گمرک، سیستم بانکداری، بیمه بازرگانی خصوصی و اصلاح زمینهای روستایی تصویب شده و یا تحت بررسی است که نمایانگر حرکت این کشور به

سوی اقتصاد آزاد است. شاخصهای عمده اقتصادی این کشور نمایانگر وضعیت اقتصادی آن است. (۱۶)

شاخصهای کلان اقتصادی قرقیزستان سال ۲۰۰۰

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تورم ماهانه	بدهی خارجی (میلیون دلار)	نسبت سرمایه گذاری خارجی به GDP	نسبت سهم کشاورزی به GDP	جمعیت (میلیون نفر)
۱/۳	٪۱۹	۱۸۲۹	-٪۲	٪۳۹	۴/۹

ب) خصوصی سازی در قرقیزستان

به دنبال اعلام استقلال در سال ۱۹۹۱، دولت قرقیزستان حرکت سریعی جهت تعدیل ساختار اقتصادی کشور انجام داد.

در این سال، قوانین وسیعی توسط مجلس جهت خصوصی سازی تصویب شد که قسمتی از یک برنامه بلندمدت کامل اصلاح اقتصادی در این کشور بود.

دولت قرقیزستان در سال ۱۹۹۲ تلاش وسیعی را جهت خصوصی نمودن ۳۰ تا ۴۰ درصد از دارایی های ثابت این کشور که معادل ۸ میلیارد روبل می شد، به عمل آورد که این اقدام شامل پایان دادن به فعالیت بیش از ۲۰۰ شرکت دولتی نیز می شد.

فرایند اصلاح ساختار قرقیزستان در مقایسه با سایر جمهوری های اتحاد شوروی سابق از پیشرفت بیشتری برخوردار بود. بخصوص در بخشهای کشاورزی، مسکن و مؤسسات رشد بیشتری دیده می شد. در سال ۱۹۹۲، خصوصی سازی دارایی های دولت و مؤسسات بازمینهای کشاورزی و شرکتهای تجاری کوچک آغاز گردید، شرکتهای تجاری متوسط از طریق مزایده و سایر روشهای رقابتی خصوصی شدند و مؤسسه و شرکتهای بزرگتر در برنامه آزادسازی قرار گرفتند و همچنین بخشی از دارایی های دولت به بخش خصوصی اجاره داده شد.

شرکتهای دارنده سهام و اقسام دیگر شرکتهای تجاری شکل گرفتند. شرکتهایی که

تولیدکننده کالاهای انحصاری دولت بودند، در برنامه خصوصی سازی قرار نگرفتند مانند (کارخانه های مشروبات الکلی، شکر و تنباکو).

دولت ساختار جدیدی به منظور توزیع مالکیت در کلیه صنایع ایجاد کرد، به طوری که ۳۰ درصد سهام جهت فروش به کارکنان و بقیه در اختیار تولیدکنندگان، دولت و عموم قرار گرفت، عمده ترین بخش سهام باقیمانده در مالکیت دولت باقی ماند.

فرایند خصوصی سازی در قرقیزستان با تأمین مالی از طریق صندوق فعالیتهای اقتصادی ملی (NEF)^۱ تسهیل شد. این صندوق از طریق اعطای وام جهت خرید مؤسسات دولتی و تجاری کوچک و متوسط، افراد را تأمین مالی می کرد. (منابع آن ناشی از دریافتهای ناشی از خصوصی سازی و سود شرکتهای خصوصی بود).

خصوصی سازی زمین در قلمرو کالخور به وسیله دولتهای محلی انجام گرفت. این امر برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر بود ولی روند مهاجرت را کم نکرد، در مورد تهیه مسکن خصوصی نیز تسهیلاتی در نظر گرفته شد.

در قرقیزستان کار متمرکزی در خصوص اصلاح سیستم اشتراکی مدیریت اقتصادی که بازمانده از قبل بود آغاز شده است.

هدف رفرم ارضی در قرقیزستان؛ فراهم نمودن راه حلی به منظور پیشرفت در استانداردهای سطح زندگی مردم در مناطق روستایی بود. اقدام اساسی در خصوص رفرم ارضی بین سالهای ۹۹-۱۹۹۴ انجام پذیرفت یعنی موقعی که در کشور به طور کلی بیش از ۲،۵۶۹،۳۰۰ نفر به طور مشترک در منطقه ای که مساحت آن بیش از ۱/۲۲۰/۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی بود کار می کردند. این در حالی است که اخیراً دولت فقط ۲۵ درصد از ذخایر ملی را تحت نظر دارد. همه شهروندان قرقیزی حق دارند دارای سند مالکیتی شوند که بدانها حق بهره برداری از آن زمین را می دهد.

بازاریابی در ارتباط با زمین و خصوصی سازی مالکیت ها به طور اخص از سال ۲۰۰۱ آغاز

گردید و در حال حاضر برای مالکین زمین این حق محفوظ است تا هر طور که بخواهند مدیریت کشاورزی آن قطعه زمین را عهده‌دار گردند. به‌طور کلی قرقیزستان در امر خصوصی‌سازی از سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی بیشتر هزینه کرده و تا حدی موفق بود و توانسته حمایت بین‌المللی را برای خود جلب نماید.

روند خصوصی‌سازی در قرقیزستان به شرح ذیل قابل بررسی است:

۱. ایجاد پایه‌های حقوقی مناسب با تصویب قوانین اساسی در زمینه‌های اقتصادی و تعیین اساس اقتصاد چند بُعدی در جهت ایجاد اشکال جدید مالکیت در کشاورزی و صنعت. در سال ۱۹۹۱ قوانین وسیعی توسط مجلس قرقیزستان جهت خصوصی‌سازی، ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک و مناطق آزاد تجاری و آزادسازی تجارت خارجی تصویب گردید و همین‌طور قوانین دیگری را نیز مربوط به امتیاز بهره‌برداری و استخراج منابع طبیعی، گمرک، سیستم بانکداری، بیمه، بازرگانی خصوصی، تسهیلات رهنی و اصلاح زمینهای روستایی را مورد بررسی قرار داد. این کشور پس از استقلال یک برنامه بلندمدت کامل اصلاح اقتصادی را به تصویب رسانید. دولت بخوبی به لزوم انتقال به بازار آزاد آگاه است. سیاست اقتصادی که منعکس‌کننده اهداف دولت بود طی برنامه اصلاحات اقتصادی که توسط عسگر آقایف به پارلمان ارائه گردید در جولای ۱۹۹۲ به تصویب رسید. برنامه اصلاحات اقتصادی قرقیزستان شامل ۲ هدف عمده بود:

الف) ایجاد یک ساختار اقتصادی کلان که قادر به تضمین کاهش تورم، رشد تولید و خودکفایی این جمهوری باشد.

ب) انجام اصلاحات ساختاری و منطقه‌ای که عناصر کلیدی آن عبارتند از:

- اصلاح مؤسسات، شامل خصوصی‌سازی و افزایش مدیریت مؤثر در بقیه شرکتها و مؤسسات دولتی - سیاست صنعتی و تجاری
- ایجاد محیط مساعد برای توسعه بخش خصوصی از جمله تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خارجی و از بین بردن سیاست انحصار بازارها

- اصلاح بخش مالی با هدف حمایت از بازسازی مؤسسات و توسعه بخش خصوصی

- ایجاد شبکه مؤثر حمایت اجتماعی

در همین رابطه عسگر آقایف، جفری ساکس^۱، استاد دانشگاه هاروارد را به عنوان مشاور رئیس جمهوری در امور برنامه ریزی اقتصاد کلان و تاجوئه کانادا^۲ استاد دانشگاه توکیو را به عنوان مشاور رئیس جمهور در اقتصاد آزاد معرفی کرده است. همین طور دولت با آگاهی به این حقیقت که ثبات اقتصاد و رشد هرچه بیشتر تولید، زمان زیادی طول خواهد کشید در صدد بود که اقدامات ذیل را انجام دهد:

- کاهش تورم تا میزان ۱۰٪

- توسعه یک بخش پویای خصوصی

- احیا و نوسازی کلیه بخشهای اقتصادی جهت کاهش میزان کسری بودجه از ۸/۲٪

GDP در سال ۹۳ به ۳٪ GDP در سالهای بعد.

جذب سرمایه گذاری خارجی به عنوان یک منبع مالی و تکنولوژی برای دولت قرقیزستان خیلی مهم بود. علاوه بر آن این کشور برای دوره انتقالی نیازمند سرمایه قابل ملاحظه ای بر حسب شرایط اعطایی از سوی کشورهای اعطاکننده و مؤسسات مالی بین المللی بود. برنامه میان مدت دولت قرقیزستان شامل توسعه صادرات صنایع بود تا این که بتواند به یک موازنه قابل قبولی در زمینه پرداختها نایل شود. انتظار می رفت که طی این مدت تسهیلات صادرات تولیدکنندگان قرقیزی به وسیله از بین بردن سیستم سفارش دولتی و خرید گسترده و ارائه پروانه رشد یابد. قرار بود سیاست وام دهی در سطح ملی در ارتباط با کاهش تورم و یا نگه داشتن آن در سطح پایین انجام گیرد. آنچه قابل توجه بود، ثبات وضعیت مالی مؤسسات صنعتی و کشاورزی بود که این امر از طریق خصوصی سازی و بازسازی و نوسازی کلی مؤسسات عملی می شد. چنانچه محیط با ثبات اقتصاد کلان از طریق اصلاحات عمیق حمایت شود به افزایش اعتبار پولی و اندوخته های خصوصی و شرکتهای کمک خواهد کرد. در این کشور تقریباً کلیه اسناد

1. Jeffrey Sax

2. Tacheow Kandaow

و مدارک رسمی انتقال به اقتصاد بازار به‌طور مستقل اعلام شده ولی عملی نشدن آن منجر به وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی این کشور گردیده است.

این کشور برای اصلاح ساختار صنعتی خود و احیای ساختارهای تولیدات صنعتی کشور خود بایستی تحولات و اصلاحاتی را در شاخه صنعت بعد از فروپاشی شوروی انجام دهد یعنی انجام اصلاحات ساختاری در کلیه تولیدات صنعتی و بازسازی مؤسسات عظیم در رشته‌های متالوژی، ماشین‌سازی و الکترونیک و سایر مواردی که در گذشته جزو حلقه‌های مورد نیاز تولید ویژه کل و سراسری کشور محسوب می‌شده است. در مرحله کنونی که ضرورت انجام مطالعات برای مؤسسات صنعتی به‌منظور افزایش فعالیت آنها و امکان تغییرات در تولید با توجه به نیاز بازار امری ضروری و حیاتی می‌باشد.

۲. تنظیم یک سیاست مالی - مالیاتی و اعتباری - پولی و قیمت‌گذاری و مبارزه با تورم. این کشور برای تنظیم یک سیاست مالی - مالیاتی و اعتباری - پولی اقدامات اقتصادی انجام داده که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- افزایش مالیات عمومی و کوشش در جهت کاهش هزینه‌های دولتی

- ایجاد صندوق ملی بنگاههای اقتصادی

- افزایش میزان ذخایر قانونی و نرخ تنزیل مجدد در جهت هماهنگی با سیاستهای پولی

و اعتباری سایر جمهوری‌ها

- تحولاتی در زمینه پرداخت مبادلات خارجی

۳. بازسازی اقتصادی و اصلاح ساختار کشاورزی این کشور

قرقیزها در جهت اجرای برنامه‌های مربوط به رفورم اقتصادی، امید زیادی به توانمندی و حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی این کشور و نیز وام‌های خارجی بسته‌اند و بدون کمک اساسی از طرف دول خارجی این خطر وجود دارد که قرقیزها برای پرداخت هزینه‌ها و دیون روبرو افزایش خود ناچاراً به تجارت مواد مخدر مانند طالبان در افغانستان روی آورند. با این همه قرقیزستان اولین جمهوری آسیای مرکزی است که از محدودیت‌های بین‌المللی تجارت مواد مخدر حمایت کرده است.

در کل، در حال حاضر بیشترین نگرانی وجود نابسامانی در تولید کشاورزی و مجتمع‌های صنایع کشاورزی در این کشور می‌باشد. وضعیت موجود در بخش کشاورزی در نتیجه قطع روابط اقتصادی درازمدت این جمهوری با سایر کشورهای مشترک‌المنافع بوده است. امروزه بیش از ۲۰ هزار تشکیلات کشاورزی و شرکت در این جمهوری تأسیس شده است. قطعه زمینی که به هر یک از تشکیلات کشاورزی داده شده است حدود ۸۹ هکتار است. در حال حاضر سهم کشاورزان از محصولات به دست آمده از این زمینها بسیار ناچیز و حدود ۶ تا ۸ درصد می‌باشد. شرکتها و تشکیلات کشاورزی به‌طور کامل از لحاظ فنی و مالی و امکانات کود و غیره تأمین شده‌اند. کمبودهای دیگری از قبیل مواد سوختنی، روغن و ماشین‌آلات نیز به علت نبود سیاست صحیح نه تنها برای کشاورزان جزء بلکه این‌گونه تشکیلات کشاورزی نیز وجود دارد. در اینجا لازم به ذکر است که در ارتباط با انتقال به بازار آزاد و در نتیجه اقدامات انجام شده در مورد آزادسازی قیمتها برای محصولات صنعتی و ساختمانی بخصوص برای وسایل تولید و سوخت و روغن و اخذ مالیات از فروش و بالا رفتن قیمت کالاها در صنعت، موجب پیدایش عدم تعادل در قیمت‌گذاری بین تولیدات کشاورزی و صنایع شده است. این اقدامات اشتباه برای انتقال به بازار آزاد بیش از همه منجر به بالا رفتن قیمت کالاها در کلیه زمینها بخصوص در انرژی و محصولات کشاورزی شده است.

به دنبال شکست تشکیلات بزرگ کشاورزی تأسیس شده، شرکتهای کوچک و متوسط کشاورزی در سطوح روستاها به وجود آمد. این امر نیز موجب وخیم‌تر شدن تأمین قطعات یدکی، ماشین‌آلات، سوخت و روغن و سایر ملزومات مورد نیاز گردید. در نتیجه شرکتها و تشکیلات کشاورزی که هنوز نتوانسته بودند به‌طور کامل پا بگیرند با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند و در لبه پرتگاه قرار گرفته‌اند. چون آن طوری که باید و شاید در روستاها ساختار زیربنایی تولید کشاورزی شکل نگرفته بود. به این علت افت تولیدات در کشاورزی به وجود آمد. ضمناً باید خاطر نشان ساخت که هیچ‌گونه اعتبار و کمک مالی دولتی و یا حمایت‌های دیگر از طرف دولت انجام نپذیرفت در حالی که توازن اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور در این شاخه می‌باشد.

به همین علت این معضل یک عامل مهم بازدارنده در اجرای تحولات و اصلاحات کشاورزی در کشور محسوب می‌شود. مسأله مهمی که در تقابل اقتصاد کشاورزی وجود دارد، مسأله اصلاحات ساختاری در مجتمع‌های صنایع کشاورزی، واردات و تأمین کامل محصولات و مواد غذایی برای مردم و احیای صنایع مرتبط به مواد اولیه کشاورزی می‌باشد. در راستای توسعه مجتمع‌های صنایع کشاورزی باید به ضرورت سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در مقیاس مختلف نظر داشت و به منظور اجرای این هدف باید از سرمایه‌های داخلی و خارجی استفاده کنند تا تولیدات در سطح جهانی به دست آورند.

امروزه در این کشور با شرایط موجود توسعه مجتمع صنعت - کشاورزی بسیار حیاتی است. همچنین در محل‌هایی که پیشرفت اقتصادی در سطح پایینی قرار دارد و پتانسیل اشتغال موجود می‌باشد، نیروی کار خود روستاییان می‌تواند از تجارب خارجی‌ها و از تکنولوژی تولیدی پیشرفته کشورهای مثل چین، ژاپن و هلند استفاده کنند. این امر در نهایت باعث محو کامل کاهش سالیانه محصولات کشاورزی و باغات و تاکستانها و همچنین محصولات دامی که امروزه به پایین‌ترین حد ممکن رسیده، خواهد شد و تدریجاً کالای دارای مصرف عمومی با کیفیت مطلوب و مرغوب نه تنها برای کشور بلکه برای بازار جهانی تولید خواهد شد.

ضمناً در مناطق کشاورزی، توسعه علوم جنبی در ارتباط با استخراج و تهیه مواد خام، به منظور تولید مصالح ساختمانی، منابع سوختی و غیره بسیار مفید و سازنده می‌باشد. این کشور هنوز به‌طور کامل از پتانسیل‌های کاری خود استفاده نکرده مثلاً $\frac{1}{4}$ کل جمعیت کشور در مناطق کشاورزی زندگی می‌کنند و در این مناطق تا ۴۰۰ محصول داخلی تولید می‌شود. اطلاعات فوق نشان می‌دهد که کشاورزی این کشور به میزان فراوان دارای ذخایر برای توسعه می‌باشد که این امر می‌تواند موجب توسعه مؤسسات تولیدی و تشکیلات کشاورزی و مزرعه‌ای و نیز شرکتهای بزرگ و آموزشی گردد که موجب رونق اقتصادی این کشور می‌گردد.

۴. تغییر ساختار آموزشی و تقویت توانایی‌های فکری

در مورد نیروی متخصص این کشور پس از استقلال با مهاجرت روس‌ها و آلمانی‌تبارها و

بعضی اقلیتهای دیگر که بیشترین نیروهای متخصص در بین آنها بوده با مشکلات عدیده‌ای روبرو شده و لذا در بخش مدیریت کشور خلاء ایجاد گردیده بود. امروزه با اتخاذ سیاستهای جدید در ایجاد تسهیلاتی جهت این‌گونه قومیت‌ها با هدف جلوگیری از سیل مهاجرت آنان به عمل آمده ولی کلاً مدیران فعلی اجرایی این کشور قدرت نظم و نسق بخشیدن و استفاده به هنگام از منابع بالقوه این جمهوری را ندارند یا حداقل در ابتدای راه بوده و هنوز تجربیات لازم را کسب نکرده‌اند.

۵. خصوصی سازی اموال دولتی و ایجاد اقتصاد چندمنظوره

دولت قرقیزستان تلاش وسیعی را در سال ۱۹۹۲ جهت خصوصی نمودن ۳۰ تا ۴۰ درصد از دارایی‌های ثابت این کشور که معادل ۸ میلیارد روبل می‌شدند به عمل آورد که این اقدام شامل پایان دادن به فعالیت بیش از ۲۰۰ شرکت دولتی نیز می‌شده است.

فرآیند اصلاح ساختار قرقیزستان در مقایسه با سایر جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق از پیشرفت بیشتری برخوردار بوده است. بخصوص در بخشهای کشاورزی، مسکن و مؤسسات این مسأله رشد بیشتری داشته است. در سال ۱۹۹۲ خصوصی سازی دارایی‌های دولت و مؤسسات با زمینهای کشاورزی و شرکتهای تجاری کوچک آغاز گردید. در حدود ۲۰۰ مؤسسه دولتی که بودجه دولت توان حفظ آن را نداشت و همچنین بدون سوبسید، حمایت و کنترل قیمت قابل به دوام مالی نبودند، در برنامه خصوصی سازی قرار گرفتند. شرکتهای تجاری متوسط به ارزش ۱۲۵ میلیارد روبل از طریق مزایده و سایر روشهای رقابتی خصوصی گردیده‌اند و سهام مؤسسات و شرکتهای بزرگتر به ارزش ۵/۴ میلیارد روبل در برنامه آزادسازی قرار گرفتند. همچنین بخشی از دارایی‌های دولت نیز به بخش خصوصی اجاره داده شد.

شرکتهای دارنده سهام^۱ و اقسام دیگر شرکتهای تجاری متشکل شدند. ارزش سرمایه‌ایی که اجاره داده شد، همراه با سرمایه شرکتهای دارنده سهام به طور تخمینی ۲/۵ میلیارد روبل بودند. حدود ۴۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر کارمند دولت در این کمپانی‌ها که خصوصی

شده بودند مشغول به کار شدند و ۲۵۰ تا ۲۸۰ هزار نفر از اشخاص حقیقی، سهامداران این کمپانی‌ها شدند.

کمپانی‌هایی که تولیدکننده کالاهای انحصاری دولت بودند، در برنامه خصوصی سازی قرار نگرفتند. این کالاها شامل مشروبات الکلی، شکر و کارخانه‌های تولید تنباکو بود. در ۱۹۹۲ منابع NEF به میزان ۳ میلیارد روبل توسط دولت تأمین گردید که شامل ۲۵ درصد دریافتی‌های ناشی از خصوصی سازی و ۵ درصد سود شرکتهای خصوصی بوده است.

اخیراً برنامه خصوصی سازی توسط یک اعتبارات مخصوص کلی که در یک مرحله پرداخت می‌گردد^۱ و جهت کلیه شهروندان نیز اختصاص یافته بود، تأمین مالی گردید. اعطای اعتبار بر مبنای سالهای اشتغال پایه‌گذاری شد و جهت خرید مسکن و برای سهام مؤسسات خصوصی شرکتهای تجاری کوچک قابل استفاده بود. دارایی به‌دست آمده ناشی از این اعتبارات پرداختی تا یک دوره سه ساله قابل فروش نبود. اعتبارات مخصوصی نیز جهت خصوصی نمودن بخش مسکن در نظر گرفته شد. به علاوه امتیازاتی نیز برای آن تعداد از شهروندانی که مسکن را با هزینه آزاد به‌دست آوردند در نظر گرفته شد و در حدود ۳۰ درصد از منازل به شهروندان بی‌بضاعت اختصاص یافت. خصوصی نمودن بخش مسکن با آزادسازی اجاره‌بها کامل شد. زمینهای خصوصی شده قابل فروش نبودند ولی قوانین بعدها به وجود آمد که فروش آنها را مجاز کرد، خصوصی سازی زمین در قلمرو کالخوز به وسیله دولتهای محلی انجام گرفت. به طوری که دولتهای محلی زمین و تجهیزات مورد نظر را طبق توانایی، استعداد و صلاحیت هر فرد یا گروه توزیع می‌کرد. اندازه زمینهای شخصی در مناطق کوهستانی بین ۵۰ تا ۲۰۰ هزار هکتار و در مناطق دره‌ای بین ۲ تا ۵ هزار هکتار بود و اگر یکی از اعضای کالخوز سابق روستا را ترک می‌کرد و به شهر مهاجرت می‌کرد هیچ‌گونه ملک یا تجهیزاتی دریافت نمی‌کرد ولی این امر روند مهاجرت را کم نکرد و مهاجرت از روستاها به شهرها افزایش داشت. به طور کلی می‌توان گفت قرقیزستان در امر خصوصی سازی از سایر جمهوری‌های شوروی سابق بیشتر هزینه کرده و تا حدی در این

امر نیز موفق بوده و توانسته که حمایت‌های بین‌المللی را برای خود جلب نماید.

۶. حرکت به سوی اقتصاد جهانی

جمهوری قرقیزستان در سال ۱۹۹۲ به عضویت تعدادی از مؤسسات و سازمانهای اقتصادی و مالی بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک اروپایی ترمیم و توسعه، مؤسسه مالی بین‌المللی، آژانس تضمین سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بانک توسعه آسیا و بانک توسعه اسلامی درآمد. همکاری با این قبیل سازمانها به دولت قرقیزستان جهت عملی کردن برنامه اصلاحات برای ثبات اقتصاد کلان و انتقال به اقتصاد بازار کمک کرد. سازمانهای فوق منابع مالی جهت حمایت از برنامه‌ها را اعطا نمودند. مهمترین جایگاه در برنامه اصلاحات به ایجاد مجدد ساختاری اقتصادی داده شد. کمکهای فنی برای ایجاد سیستم مرکزی بانکی و مالی، اساس حقوقی و محیط مساعد سرمایه‌گذاری در قرقیزستان کاملاً مورد نیاز بود. از این رو قرقیزستان اولین کشور عضو CIS بود که منابع مالی صندوق بین‌المللی پول را کسب نمود. موافقتنامه با صندوق بین‌المللی پول نقطه عطف اصلاحات بود. رهبریت برنامه اصلاحات کشور معتقد بود که تحقق برنامه اصلاحات و ثبات سریع اقتصادی تنها شانس موفقیت بودند.

دولت قرقیزستان در ماه مه سال ۱۹۹۳ با صندوق بین‌المللی پول موافقتنامه Standby را منعقد کرد. طبق موافقتنامه مذکور مساعی و تلاشهای دولت در اجرای اصلاحات از سوی جامعه بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفت. از این رو بانک جهانی یک وام تحت عنوان نوسازی به مبلغ ۶۰ میلیون دلار به این کشور اعطا کرد. همزمان، وامهایی از سوی دولت ژاپن نیز تأمین گردید. علاوه بر آن کشورهای آمریکا، سوئیس، هلند، دانمارک و برخی از کشورهای دیگر کمکهایی را ارائه نمودند. بعد از اجلاس گروه مشاوره‌ای از ژوئن ۱۹۹۴ بانک توسعه آسیا وامهای جدیدی در خصوص آموزش، انرژی، حمل و نقل اعطا نمود. (۱۷)

در حال حاضر، فعالیت سرمایه‌ای خارجی در قرقیزستان کافی نبوده و این موضوع به عوامل عینی و غیرعینی از قبیل فعالیتهای بخش خصوصی و شکست در توسعه ساختارهای مالی و ارتباطی بستگی دارد. دولت قرقیزستان به این نتیجه رسیده که برای شرکت گسترده

سرمایه‌های خارجی و ایجاد روابط اقتصادی جدید در این جمهوری باید تلاشهای خود را در راستای ایجاد فضای مؤثر برای توسعه تجارت متمرکز کند. این کشور برای عملی کردن اهداف خود اقدامات اولیه در رابطه با مدرنیزه کردن، توسعه سیستم بانکی، تشکیل بازاری برای تضمین‌ها، سایر مؤسسات مالی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی را مورد تأکید قرار داده است. به‌طور کلی قرقیزستان در سالهای اخیر حدود ۷۰۰ میلیون دلار اعتبار از کشورهای مختلف اخذ کرده که بیشترین کمک را از آمریکا دریافت کرده است. این کمکها بیشتر به حساب بدهی خارجی این کشور منظور شده و سپس بقیه اعتبارات به صورت کمکهای بلاعوض و انسان دوستانه و غیره در اختیار این کشور قرار گرفته است. البته این رقم غیر از بدهی‌های مالی این کشور به روسیه است چراکه طبق آمارها این کشور ۱۰۰ میلیون دلار به روسیه بدهکار است. این کشور برای حرکت به سوی اقتصاد جهانی در پیمانها و سازمانهای اقتصادی دیگر نیز عضویت دارد که عبارتند از: اسکاپ^۱، اکو، سازمان هواپیمایی شهری بین‌المللی^۲، انجمن توسعه بین‌الملل^۳، صندوق توسعه کشاورزی بین‌المللی^۴، سازمان بین‌المللی کار^۵، شورای همکاری آتلانتیک شمالی^۶، سازمان کنفرانس اسلامی^۷، دادگاه دائمی داوری^۸، سازمان ملل متحد^۹، کنفرانس تجارت، توسعه سازمان ملل^{۱۰}، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد^{۱۱}، سازمان توسعه صنعتی ملل^{۱۲}، اتحاد بین‌المللی پست^{۱۳} سازمان بهداشت جهانی^{۱۴} می‌باشد، قرقیزستان همچنین تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی^{۱۵} را نموده است. به‌طور کلی مشاهده می‌شود که این کشور در بیشتر سازمانهای اقتصادی عضویت دارد تا بتواند

1. Escap

3. IDA

5. ILO

7. OIC

9. UNESCO

11. UN

13. UPU

15. WTO

2. ICAO

4. IFAO

6. NACC

8. PCA

10. UNCTAD

12. UNIDO

14. WHO

روند خصوصی سازی در این کشور را پی بگیرد و آن را به سرانجام مقصود برساند.

۷. تثبیت اقتصادی و تحکیم پول ملی

قرقیزستان اولین کشور از جمهوری‌های آسیای مرکزی بود که تصمیم گرفت از حوزه روبل روسیه خارج گردد و از این رو در ماه مه ۱۹۹۳ واحد پول خود که صوم^۱ نام داشت را جایگزین روبل کرد که در ابتدا هر صوم معادل با ۲۳۰ روبل و هر ۴ صوم یک دلار بود. انتشار پول ملی قرقیزستان واکنشهایی را در برخی از کشورهای CIS از جمله قزاقستان، ازبکستان پدید آورد. حتی از ناحیه ازبکستان تهدید به قطع گاز شد ولی نهایتاً مشکلات مرتفع و حتی این کشورها نیز یکی بعد از دیگری اقدام به جریان انداختن پول ملی خود کردند. بیشتر ناظران سیاسی معتقد بودند که خروج قرقیزستان از حوزه روبل توسط و به پیشنهاد آمریکا صورت گرفته ولی قرقیزستان برای این تصمیم‌گیری چند عامل ذیل را مؤثر می‌دانست که عبارت بودند از:

الف) وجود تورم در روسیه و افزایش بدون وقفه آن؛

ب) شکست تلاش‌های کشور CIS در ایجاد یک ارز واحد برای جامعه فوق؛

ج) اصلاحات شدید ناسیونالیستی در کشور قرقیزستان.

۵. تاجیکستان

الف) ساختار اقتصادی تاجیکستان

اقتصاد این کشور تا پیش از استقلال بر پایه برنامه‌ریزی متمرکز مسکو استوار بود و در واقع نقش محدودی در اقتصاد اتحاد شوروی داشت. تاجیکستان در واقع فقیرترین جمهوری شوروی بود و تنها ۸٪ تولید خالص مادی این منطقه را داشت. تاجیکستان شدیداً وابسته به بودجه اتحادیه بود و پس از استقلال و جنگهای داخلی صدمه دید. در پی جنگهای داخلی سطح زندگی مردم پایین آمده و فقری گسترده نواحی این کشور را فرا گرفت. از عوامل دیگر نابسامانی

1. Soum

اقتصادی و تورم، سیستم پولی این کشور بود که به دلیل افزایش بی‌رویه روبل‌های خارج شده از گردش روسیه و سایر جمهوری‌های منطقه، سیستم پولی آن با مشکل روبرو شد. گرچه صندوق بین‌المللی پول از روبل این کشور حمایت می‌کند ولی در برابر روبل روسیه بسیار ضعیف است. (۱۸)

شاخصهای کلان اقتصادی تاجیکستان سال ۲۰۰۰

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تورم ماهانه	بدهی خارجی میلیون دلار	نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به GDP	نسبت سهم کشاورزی به GDP	رشد GDP (۲۰۰۱)	جمعیت (میلیون نفر)
۱	٪۳۳	۱۱۷۰	۲/۴	۱۹	۵	۶/۳

ب) خصوصی‌سازی در تاجیکستان

برنامه اقتصادی دولت در این کشور حول سه محور استوار است:

- حمایت از تجارت و بازرگانی (متوسط و خرد)

- حمایت از بخش دولتی اقتصاد

- بهبود ساختار اقتصاد کشاورزی

این کشور برای رسیدن به این امر شروع به استقراض خارجی از سایر جمهوری‌های منطقه نمود و هدف از این برنامه اقتصادی، افزایش تولید محصولات خود بود تا بتواند

بدهی‌های خود را پرداخت نماید. *تال جامع علوم انسانی*

دولت این کشور برای تقویت کشاورزی و جهت استحصال بیشتر محصولات کشاورزی

نیز برنامه‌هایی ارائه داده است؛ ولی در مورد اصلاحات زمین اعلام کرد که برنامه‌ای ندارد و بحث

اصلی آن بود که زمین در اختیار دولت بوده و با شرایطی خاص به صورت اجاره در اختیار قرار

گیرد. پس به طور کلی حرکتی آنچنانی و در خور توجه به سوی خصوصی‌سازی در این زمینه در

تاجیکستان صورت نگرفته است.

در بخش صنعت هم، صنعت این کشور تحت نظارت چند مؤسسه بزرگ دولتی قرار دارد

و طبق آمار در سال ۱۹۹۷ حدود ۴۰۰ مؤسسه دولتی موجود در بخش صنعت، ۹۸٪ دارایی‌های ثابت را در اختیار داشته‌اند که نشان می‌دهد که در بخش صنعت هم کار چندانی در مورد خصوصی سازی صورت نگرفته است و حتی قوانینی هم به تصویب نرسیده است.

به نظر می‌رسد که خصوصی سازی در این کشور پیشرفت چندانی نداشته است و آنها بیشتر به کمک‌های خارجی دلبسته‌اند که کمک‌های خارجی هم تا امنیت اقتصادی فراهم نشود سرمایه‌گذاری را صورت نخواهند داد. براساس بررسی به عمل آمده در مورد خصوصی سازی ۵ کشور آسیای مرکزی و دو کشور لهستان و روسیه، سطح خصوصی سازی تاجیکستان در سطح ۱ تا ۴/۳ به شرح زیر است:

درجه خصوصی سازی مؤسسات بزرگ ۲/۳

درجه خصوصی سازی واحدهای کوچک ۳/۳

درباره روند خصوصی سازی در تاجیکستان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. ایجاد پایه‌های حقوقی مناسب با تصویب قوانین اساسی در زمینه‌های اقتصادی و تعیین اساس اقتصاد چندبُعدی در جهت ایجاد اشکال جدید مالکیت در کشاورزی و صنعت.

برنامه اقتصادی این کشور بر حول سه محور استوار است که عبارتند از:

۱. حمایت از تجارت و بازرگانی (متوسط و خرد)

۲. حمایت از بخش دولتی اقتصاد؛

۳. بهبود ساختار اقتصاد کشاورزی.

این کشور برای رسیدن به این امر شروع به استقراض خارجی از جمهوری‌های مشترک‌المنافع از جمله روسیه، قزاقستان و ازبکستان کرد چرا که جلب هرگونه کمک اقتصادی را به مثابه ساحل امنی برای خود می‌دید که می‌توانست کشتی طوفان زده اقتصادش را به آن سو هدایت کند و هدف از به کار بستن این برنامه اقتصادی افزایش تولید محصولات خود بود تا بتواند بدهی‌های خود را پرداخت نماید که از این امر سود لازم را این کشور نبرد. دولت این کشور برای تقویت کشاورزی جهت استحصال بیشتر پنبه برنامه‌هایی نیز ارائه داده است. ولی در مورد

اصلاحات زمین اعلام کرده که برنامه‌های ندارد و در بیشتر نواحی کشور ۲۰ سال است که محاسبه زمین صورت نگرفته و حدود ۱۷۰۰۰ هکتار زمین بایر برجای مانده است. بحث کلی این کشور آن است که زمین در اختیار دولت بوده و با شرایطی خاص به صورت اجاره در اختیار افراد قرار گیرد. پس به‌طور کلی مشاهده می‌شود حرکتی آنچنانی و در خور توجه به سوی خصوصی‌سازی در این زمینه در این کشور صورت نگرفته است.

در بخش صنعت هم، صنعت در این کشور تحت نظارت چند مؤسسه بزرگ دولتی قرار دارد و طبق آمار در سال ۱۹۹۷ حدود ۴۰۰ مؤسسه دولتی موجود در بخش صنعت، ۹۸٪ دارایی‌های ثابت را در اختیار داشته‌اند. پس مشاهده می‌شود در بخش صنعت هم کار چندانی در مورد خصوصی‌سازی انجام نگرفته است و حتی قوانینی نیز برای این امر به تصویب نرسیده، که این امر کمکهای کشورهای خارجی به‌ویژه غربی به این کشور را بسیار مشکل کرده است.

۲. تنظیم یک سیاست مالی - مالیاتی و اعتباری - پولی و قیمت‌گذاری و مبارزه با تورم. این کشور برای این امر کمیته‌ای را تشکیل داده است که اسناد حقوقی را تنظیم کنند که بتواند به حرکت بلامانع کالا و نیروی کار و سرمایه مساعدت کرده و سیاست هماهنگ پولی و اعتباری، تأسیس بانک خصوصی، نظارت بر اجرای تعهدات دولت، تأمین مؤثر مکانیسم‌های اقتصادی و جلوگیری از عدم اجرای موافقتنامه‌های به موقع به اجرا بگذارد.

همین‌طور این کشور نتوانسته که سیاست قیمت‌گذاری را تنظیم کرده و با تورم مبارزه کند. مثلاً با از دست دادن قیمت روبل در مقابل دلار یکبارہ منجر به خالی شدن مغازه‌ها از اجناس و تعطیلی کارخانه‌ها شد و حتی دولت نمی‌توانست که حقوق کارکنان خود را به صورت منظم بپردازد. نبود یک سیاست قیمت‌گذاری باعث شده بود که کشور حتی توانایی تهیه سوخت نداشته باشد و سوخت‌رسانی قطع گردد و حتی کلیه تاکسی‌ها به دلیل نداشتن بنزین از کار بیافتند و حمل زباله مختل شده و عامل بیماری در این کشور گردد.^(۱۹)

۳. تغییر ساختار آموزشی و تقویت توانایی فکری

افزایش سطح اطلاعات و آموزش از مواردی است که می‌تواند این کشور را از بحرانهایی که

به آن دچار شده رهایی بخشد. در حال حاضر فقط ۲۰ درصد از مسئولین بخشهای اقتصادی تحصیلات عالی دارند. دولت این کشور در نظر دارد یک رشته برنامه برای تربیت متخصصین اقتصادی منظور کند. در همین راستا، شیوه تعلیم و سیستم آموزشی دگرگون می شود و دولت در نظر دارد دوره آموزش مدارس مجموعاً ۸ سال باشد و دانش آموزان با کامپیوتر و زبانهای خارجی آشنا شوند. گرایش به بازار آزاد از نکات قابل توجه این برنامه است که متأسفانه هنوز به اجرا گذاشته نشده است. این کشور به دنبال بازسازی ملی کشور خود و ایجاد روابط بازرگانی با سایر دول و سرمایه گذاری خارجی است که هنوز این امر به طور کامل صورت نگرفته است.

۴. تثبیت اقتصادی و تحکیم پول ملی

این کشور برای تثبیت اقتصادی خود، پول ملی خود را وارد بازار سرمایه کرد. از ۱۲ مه ۱۹۹۵، روبل تاجیکستان با ارزش ۱۰۰ روبل برابر با یک روبل روسیه به جریان افتاد که این امر باعث شد درآمد ۸٪ تولیدات محصولات صنعتی ۲٪ و حجم محصولات کارخانه ها ۴۸٪ و حجم تولید محصولات کشاورزی ۱۰٪ کاهش نشان دهد و همین طور محصول ناخالص ملی با یک کاهش ۱۰٪ روبرو شود و نرخ تورم به ۳۸ درصد و نرخ بیکاری به ۲۲ درصد برسد. پس می بینیم در تثبیت اقتصادی خود نیز موفق نبوده که همین امر باعث شده این کشور به کشورهای همجوار بدهکار شود. مثلاً روسیه ۳ تن طلا بابت طلبش از تاجیکستان برده یا این کشور ۲۰۰ میلیون دلار به ازبکستان بدهکار است و ۵ میلیون روبل بابت خریدهای نفتی به قزاقستان بدهکار است. این کشور برای تثبیت اقتصادی خود سیستم بانکی تاجیکستان را راه اندازی کرد. که شامل ۳ بانک، بانک ملی تاجیکستان، صندوق پس انداز ملی و بانک تجارت خارجی است که هر سه اینها شعبه هایی از بانک تجارت روسیه هستند. بانک ملی تاجیکستان، بانک مرکزی تاجیکستان نیز هست.

۵. حرکت به سوی اقتصاد جهانی

این کشور برای این که بتواند با کشورهای دیگر رابطه اقتصادی داشته و از دیگر کشورها برای منافع ملی خود استفاده کند به عضویت بعضی از اتحادیه های اقتصادی درآمده است. مثلاً

این کشور عضو اکو و عضو کشورهای CIS نیز می‌باشد و بیشتر به این خاطر عضو اکو شده که بتواند مناسبات و روابط اقتصادی خود را بسط و گسترش دهد. این کشور عضو صندوق بین‌المللی پول IMF^۱ و بانک جهانی می‌باشد. اینها البته در زمینه‌های مختلف و به‌طور محدود در تاجیکستان سرمایه‌گذاری کرده و وام‌هایی به این کشور داده‌اند. مثلاً صندوق بین‌المللی پول از روبل تاجیکستان در بدو پیدایش آن حمایت کرد.

این کشور عضو شورای همکاری و امنیت اروپا CSCE^۲ نیز می‌باشد که این سازمان کمک‌های محدودی به تاجیکستان کرده است. تاجیکستان عضو کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل و سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل نیز می‌باشد که این دو سازمان وابستگی بیشتر به سازمان ملل دارند و این کشور را نیز به سازمان ملل ارتباط می‌دهند.

پس به‌طور کلی مشاهده می‌شود در این کشور از خصوصی‌سازی خبر آنچنانی نیست و بیشتر به کمک‌های خارجی دل بسته‌اند که کشورهای خارجی هم تا امنیت اقتصادی برایشان فراهم نشود توان سرمایه‌گذاری در این کشور را ندارند، لذا این کشور با مشکلات خود هنوز بسر برده و با آن دست و پنجه نرم می‌کند.^(۲۰) به‌طور کلی اصلاحات اقتصادی و حرکت به سوی خصوصی‌سازی در کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند بر ۷ محور ذیل استوار شد:

۱. دستیابی به استقلال اقتصادی بدون در نظر گرفتن مسکو و با کاهش واردات؛
۲. تأمین تقاضای جامعه در خصوص ضروریات زندگی؛
۳. برقراری توازن اقتصادی؛
۴. برطرف ساختن یکسویگی اقتصادی و اتکای به مواد خام هر کشور؛
۵. توسعه امکانات صادراتی؛
۶. تأمین شغل و رفع بیکاری؛
۷. جایگزین ساختن کالاهای تولیدی با کالاهای واسطه‌ای.

1. International Menetary Found

2. CSCE: Conference of Security and Cooperation of Europe

یادداشت‌ها

1. C.P.Rao, *Globalization, Privatization and Free Market Economy*, (London: Quorum Books, 1998), pp.28-46. Also see C. Cameron, *A Comparison of Privatization in Capitalist and Socialist Countries*, *International Journal of Social Economics*, 19 (6), 1992, pp.55-60. and C.Foster, *Privatization, Public ownership and Regulation of Natural Monopoly*, (Oxford: Blackwell Publishers, 1992).
۲. رجوع کنید به مهدی بهکیش، اقتصاد ایران در ستر جهانی شدن (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰) همچنین توماس لارسون و دیوید اسکیدمور، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی (تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۶)، صص ۲۰۱-۱۸۴.
۳. رجوع کنید به احمد ساعی، درآمدی بر شناخت مسایل اقتصادی و سیاسی جهان سوم (تهران: نشر قومس، ۱۳۵۷) و محمد کردزاده کرمانی، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰)، صص ۱۲۰-۱۱۱.
۴. حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، ملیتهای آسیای مرکزی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰)، صص ۲۳۳-۲۳۰.
۵. نوراحمد بابا، «اضطراهای به ارث برده شده و چشم‌اندازهای ثبات و توسعه در آسیای مرکزی»، ترجمه قاسم ملکی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸، دوره دوم، سال سوم، زمستان ۱۳۷۳، صص ۱۲۷-۱۲۵.
۶. گوگوان فو، «نقش منابع در توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸، دوره دوم، سال سوم، زمستان ۱۳۷۳، صص ۱۹۴.
7. *The Europa World Year Book, Vol.1*, (London: Europa Publications Limited, 2002), pp.43-44.
۸. نگاه کنید به آمار ارائه شده در سایت اینترنتی: <http://www.w.B.org>
9. E.I.U (The Economist Intelligence Unit), *Country Report* (London: World Microfilms Publication Ltd, 2002), pp.66-73.
- همچنین نگاه کنید به داود چرمی، ازبکستان (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰).
۱۰. گوگوان فو، همان منبع، صص ۱۹۳.
11. *The Europa world Year book, Vol.1* (London: Europa Publications Ltd., 2002), pp.22-27.
12. E.I.U, *Country Report* (London: World Microfilms Publication Ltd, 2002), pp.43-49.

۱۳. رضا پاکدامن، «نقش روسیه در اقتصاد جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸، سال سوم، دوره دوم، زمستان ۱۳۷۳، صص ۸-۱۴۷.
14. The Europa world Year Book, Vol.2, (London: Europa Publications Ltd, 2002), pp.38-39.
15. E.I.U, Country Report (London: World Microfilms Publications Ltd, 2002), pp.61-65 and Bisnis, Commercial Overview of Turkmenistan, (Washington D.C.: Bisnis Press, 2002).
۱۶. جوماکان لایلی یف، «استراتژی اقتصادی قرقیزستان در انتقال به اقتصاد آزاد»، ترجمه بهرام تهرانی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸، سال سوم، دوره دوم، زمستان ۱۳۷۳، صص ۶-۲۸۵.
۱۷. همان منبع، صص ۹-۲۸۷.
18. Habibollah Abolhassan Shirazi, The Dynamics of Political Stability in Post - Soviet Tajikistan, (Sydney: University of sydney, 1997), pp.153-158.
19. Shirin Akiner, Tajikistan: Disintegration or Reconciliation?, (London: Royal Institute of Intenational Affairs, 2001), pp.60-62. and the Europa world Year Book, Vol.2, (London: Europa Publications Ltd, 2002).
20. E.I.U, Country Report, (London: world Microfilms Publications Ltd., 2002), pp.56-60.